

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۳۹

جمعه ۲ مهر ۱۴۰۰ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۱

سال تحصیلی: یک شروع بیسابقه

شهلا دانشفر



”امروز بحث بر سر فقر بی انتهای مردم و وخیم شدن هر روز بیشتر معیشت و زندگی کل جامعه است.“

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

۲ و ۱

سال تحصیلی: یک شروع بی سابقه. شهلا دانشفر

۴ و ۳

جبهه مقاومت در افغانستان. سیامک بهاری

۷ و ۶، ۵

جنگ ایران و عراق: علل و پیامدها. مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

۹ و ۸

مردم عراق و کردستان عراق خواهان اخراج جمهوری اسلامی هستند.

عبدل گلپریان

۱۱ و ۱۰

گوشه هایی از زندگی فراز آزادی (قاسم کریمی)

۱۲

کنفرانسی در همبستگی با کارگران نفت و تاکید بر بایکوت جمهوری اسلامی. فریدم ناو

۱۵ و ۱۴، ۱۳

منشور انقلاب و رهانی جامعه. مصوب دفتر سیاسی حزب

۱۶

گزارش از میتینگ پنجشنبه در برلین علیه طالبان. مینا احدی

۱۸ و ۱۷

از مدیای اجتماعی حزب

۲۲ و ۲۱، ۲۰، ۱۹

اطلاعیه های حزب

نشدن مطالباتشان و نیز فضای انفجاری در میان مردم بخاطر ناتوانی برای فرستادن کودکانشان به مدرسه هستیم و این وضعیت خود را در بیانیه های تعرضی تر معلمان و مردم بوضوح نشان میدهد. از همین رو فضای اعتراضی امسال در شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ بی سابقه است و امسال معلمان و بخش های مختلف جامعه با اولتیماتوم ها و کارزار هایشان مقابل حکومت ایستاده و خواسته هایش را طلب میکنند.

به عبارتی روشنتر امروز بحث بر سر فقر بی انتهای مردم و وخیم شدن هر روز بیشتر معیشت و زندگی کل جامعه است. افزایش هر روزه قیمت ها در کنار پولی و کالایی بودن آموزش و بساط دزدی و چپاول حاکم و اخاذی از مردم به اشکال مختلف و اضافه شدن مخارج آموزش از راه دور و بصورت مجازی وضعیت را برای خانواده ها بمراتب وخیم تر کرده است. در نتیجه این وضعیت خانواده های بسیاری در برابر پرداخت شهریه های سنگین و مخارج تحصیلی فرزندان ناتوانند و امر فرستادن کودکان به مدرسه به یک معضل وسیع اجتماعی تبدیل شده است. برای مثال هم اکنون از افزایش حداقل ۲۵ درصدی قیمت کتاب های ادامه در صفحه ۲

هر ساله در آستانه شروع سال تحصیلی بخاطر فقر و فلاکت و بی تأمیني ها و خطر خارج شدن کودکان هر چه بیشتری از چرخه تحصیلی، تحرکت اعتراض گسترده ای را در میان معلمان و در سطح جامعه شاهد هستیم. اما از یکسو وخیم تر شدن هر روز بیشتر سطح معیشتی مردم از جمله وضعیت معلمان و پاسخ نگرفتن خواسته ها و مطالباتشان و از سوی دیگر گرانی افسار گسیخته و سنگین تر شدن فشار های معیشتی بر کرده کل جامعه آنهم در پس خیزشهای مردمی ای که پشت سر گذاشته ایم، امسال شاهد آن هستیم که جامعه فضایی انفجاری تر داشته و وضعیت نسبت به سالهای گذشته متفاوت است. از جمله هم اکنون خانواده های بسیاری با معضل فرستادن کودکانشان به مدرسه و تأمین نیازهای اولیه آنها روبرویند. بعلاوه ابعاد فاجعه بار کرونا که خود یک عامل موثر در محروم شدن کودکان بیشتری از تحصیل است، موجب خشم بیکرانی علیه کشتار عمومی و فجایع انسانی این بیماری مرگبار شده و مردم خامنه ای و سران این حکومت را مسبب اصلی این وضعیت دانسته و شاکی هستند. این چنین است که امسال ما شاهد ابعاد گسترده تر تحرکات اعتراضی در میان معلمان بخاطر محقق

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱



شهلا دانشفر

درسی خبر داده میشود. و در حالیکه در این ایام بحران کرونا چندین میلیون دانش آموز از دسترسی به آموزش مجازی محروم و ناگزیر به ترک تحصیل شده اند، خبرها از محروم شدن هزاران کودک دیگر از تحصیل و افزوده شدن بر شمار جمعیت چند میلیونی کودکان خارج مانده از چرخه تحصیل و کودکان کار و خیابان حکایت دارد.

در کنار این وضعیت فاجعه بار همچنین ما شاهد این هستیم که حکومت وقیحانه خود دارد از ۵۱ هزار کودک بخاطر درگذشت والدینشان بخاطر کرونا خبر میدهد و از خود سلب مسئولیت کرده و با وقاحت تمام از این میگوید که توان این را ندارند که همه این کودکان را تحت پوشش بهزیستی قرار دهند و به گفته آنها فقط آن بخش از کودکانی که "سرپرست موثر" ندارند، آنها بعد از گذراندن شرایط "آزمون سهل" میتوانند تحت پوشش این سازمان که عملاً کار چندانی هم انجام نمیدهند، قرار بگیرند. بدین ترتیب این نیز خود یک تراژدی انسانی دیگری است که قلب جامعه را به درد آورده است.

در برابر چنین شرایطی و در اوضاع پر التهاب جامعه ما شاهد شکل گرفتن بروز خشم و عصیان مردم در گوشه گوشه جامعه هستیم و این خود را در شعارها و در بیانیه های اعتراضی و در گسترش کارزارهای مبارزاتی مردمی هر روزه دارد به نمایش میگذارد.

از جمله معلمان به عنوان یک بخش محروم جامعه همانطور که اشاره کردم پیگیر

مبارزاتشان است، اعتراض آنها به وضع نابسامان آموزش، کالایی شدن آن و کیفیت پایینش و در برابر تلاش حکومت برای اسلامی کردن مدارس است و بویژه امروز یک موضوع مهم اعتراض معلمان به خارج ماندن بخش بزرگی از کودکان از تحصیل است و اینها همه موضوعاتی است که آنها بارها و بارها در بیانیه ها، سخنرانی ها و در تجمعات اعتراضی خود عنوان کرده اند. بعبارت روشنتر اینها همه مطالبات مشترک همه تشکل های معلمان، فعالین دفاع از حقوق کودک و بخش های مختلف معترض جامعه است. اولین تاکید من حمایت وسیع از فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و خواستها و مطالبات اعلام شده آن به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید است و در این میان خانواده های دانش آموزان نقش مهمی دارند و انتظار میرود که در صف جلوی همه اعتراضات و در کنار معلمان باشند. از مبارزات و خواستهای معلمان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱

همه دانش آموزان و معلمان از اینترنت، و تاکید بر اینکه تلفن هوشمند و تبلت رایگان بخاطر آموزش مجازی در این ایام کرونایی یک رکن مهم آموزش رایگان در این شرایط است، تاکید کرده است. شورای هماهنگی اولتیماتوم داده است که اگر خواستهای آنها اجرایی نشود دست به تجمع اعتراضی سراسری خواهد زد و این فراخوان برای سوم اردیبهشت داده شده است. این شورا همچنین با تاکید بر آموزش مجازی و فراهم کردن تسهیلات آن برای همه کودکان با شروطی چون واکسیناسیون همه معلمان و دانش آموزان بالای دوازده سال و گذاشتن ماسک و مواد ضد عفونی کننده رایگان در اختیار همه دانش آموزان و اینکه در هر میز بیش از یک دانش آموز نباید بنشینند، تاکید کرده است.

بدین ترتیب معلمان علاوه بر پیگیری مطالبات معیشتی خود یک نیروی مهم دفاع از حقوق کودکان و تثبیت مطالبه تحصیل رایگان برای همه کودکان هستند. اعتراضات آنان موضوع و دغدغه های کل جامعه است. اعتراض آنان به فقر، تبعیض، نابرابری، اختلاس ها و دزدی هاست. اعتراض آنها به سرکوبگری های حکومت و امنیتی کردن

این میگویند که دیگر اجازه نمی دهند که مدرسه ها و دانشگاه ها به قتلگاهی دیگر برای فرزندانشان تبدیل شود و با اعلام کیفرخواست علیه کشتار عمومی کرونا قاطعانه هشدار داده و مطالبه کردند. در این شرایط انفجاری اعتراضی است که جامعه مستقیماً خامنه ای و سران حکومت را بخاطر منع ورود واکسن به ایران و عدم واکسیناسیون رایگان همگانی و رها کردن انسانها در کام بیماری مرگبار کرونا، و مسئول مستقیم این کشتار جمعی میدانند و کیفرخواست خود را اعلام کرده و شاکتی هستند. این دادخواهی را ما در اعتراض وکلایی که بخاطر دفاع از جان مردم شاکتی این ابعاد از جنایت و کشتار بودند و حمایت های وسیع مردمی از وکلای بازداشتی و اعتراض آنان شاهد بودیم. یک نیروی حامی این دادخواهی معلمان بودند و هستند.

در متن این اوضاع است که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی در بیانیه های خود بر خواستهای برحق معیشتی معلمان و اینکه حقوق آنان نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد و درمان و واکسیناسیون باید رایگان و همگانی باشد، تحصیل برای همه کودکان باید رایگان باشد و برخورداری

مطالباتشان بوده و پیشتر اعتراض به فقر، تبعیض، نابرابری و سرکوبگری های حکومت هستند. معلمان همچنین یک نیروی مهم در دفاع از حقوق کودکان و مقابله با خارج ماندن هر روز بیشتر کودکان از تحصیل با خواست تحصیل رایگان برای همه هستند. در همین راستا امروز ما شاهد فراخوانهای پی در پی آنان برای تجمع و اعتراض و تجمعات هر روزه آنان در مقابل وزارت آموزش و پرورش و ادارات آن با شعار معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن هستیم. ما شاهد این هستیم که معلمان اولتیماتوم میدهند که اگر مطالباتشان پاسخ نگیرد در اشکال گسترده تری دست به اعتراض خواهند زد و با شعار مشکل ما حل نشه، مدرسه تعطیل میشه دارند از رفتن بسوی اعتصابات سراسری خود خبر میدهند. برای مثال در همین ماه معلمان در روزهای ۶، ۱۴، ۱۷، ۲۳ و ۳۰ شهریور تجمع داشتند و تجمع سراسری بعدی آنها در سوم مهرماه برپا خواهد شد.

در عین حال امسال مردم بدرست مساله سال تحصیلی جدید را به معضل کرونا و بی مسئولیتی حکومت در قبال جان انسانها وصل کرده و در بیانیه هایشان از

جبهه مقاومت در افغانستان



سیامک بهاری

اکثریت کارمندان زن نان‌آور خانواده‌اند بیکار شده‌اند. فقر و گرسنگی آشکار جامعه را در هم می‌شکند. کمک‌های خارجی تعطیل شده است. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است، بخش درمان افغانستان در آستانه فروپاشی است. معاملات بانکهای خارجی با داخل متوقف شده است. فشار بر حضور زنان چنان سنگین است که صدای متحدین ژنتیک طالبان را هم در آورده است. از حصارکشی در کلاسهای درس دانشگاه تا تعطیلی مدارس دخترانه تهدیدی جدی و بسیار وحشتناک علیه حضور زنان در مشاغل و در جامعه است. زنان قاضی بطور دستجمعی اخراج شده‌اند. از حضور زنان پزشک در بخش‌های عمومی ممانعت می‌شود.

فشار بر رسانه‌ها عملاً بیش از ۱۵۰ رسانه را بکلی تعطیل کرده است. دستگیری مخالفین با شدت و خشونت تمام ادامه دارد. دستگاه ترور شبکه حقانی که حال عهده دار وزارت داخله است به جان منتقدین، فعالین، هنرمندان و خبرنگاران افتاده است. فرار و آوارگی از کشور در ابعاد حیرت‌آوری در جریان است.

آش چنان شور است که هیچ کشوری برای مراسم تحلیف دولت طالبان حاضر نشد. ریسک کند و حضور یابد. دولتی با ۲۳ وزیر که ۱۷ نفر آن در لیست سیاه سازمان ملل است.

برای مردمی که بیش از چهار دهه تروریسم اسلامی و فساد و فریبکاری حکومتی کروزای و غنی و شرکاء همه هست و نیست آنها را به باد داده، اما این نه پایان کار که آغازی برای عزمی نوین است.

نفرت عمیق از طالبان و جنایات بی پایان امارت اسلامی و همه کراحت

آمریکا و متحدان ناتو در زد و بندی نفرت‌انگیز، تحت نام پروسه صلح، ختم جنگ و پایان مأموریت برای صلح، طالبان را به قدرت سیاسی بازگرداندند، دو دستی یک جامعه مصیبت‌زده و کل امکانات کشور را تحویل طالبان دادند و با شلیک به یک خودرو حامل مردم عادی و کشتار چندین زن و کودک به نام نشانه‌گیری دقیق علیه داعش اعلام کردند این ختم حضور آنها در افغانستان است.

سناریوی فشرده سیاسی نظامی بازگرداندن طالبان طی یازده روز با سقوط کابل بعنوان آخرین ثقل حکومت سابق به فرجام رسید. نیروی اردوی ملی هزیمت کرد سران حکومت بار سفر بستند و از معرکه جستنند. اما این پروسه زود فرجام، رعد و برق در آسمان بی ابر نبود. ارگ و سپیدار و همه احزاب جهادی و متعلقات آن که قرار بود "جان بدهند و سنگر ندهند" از برادر ناراضی خواندن طالبان، تا کنفرانس‌های مسکو و دوحه و اسلام‌آباد، تا تخلیه پایگاه بگرام، عهده‌دار تحقق قدم به قدم استراتژی آمریکا و ناتو در بازگرداندن طالبان بوده‌اند. شریک لحظه به لحظه تمامی فجایع بشمار و تقسیم قدرت و غنایم و فساد مالی و کشمکش‌های درون حکومتی بوده‌اند.

وضعیت اقتصادی افغانستان عملاً فروپاشیده است. پیشتر با کمک‌های جهانی بیش از ۶۰ درصد بودجه و مخارج کشور تأمین می‌شد. اکنون بانکها ورشکسته‌اند.

اکنون بانکها ورشکسته‌اند. اکثریت کارمندان زن که نان‌آور خانواده‌اند بیکار شده‌اند. فقر و گرسنگی آشکار جامعه را در هم می‌شکند. کمک‌های خارجی تعطیل شده است. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است، بخش درمان افغانستان در آستانه فروپاشی است.

در تخاصم قومی - مذهبی در زیر لایه غلیظی از لفاظی‌ها به طول و عرض و نهنگاه‌ها و افسانه پردازی‌های تخیلی دره پنجشیر بدل می‌شود. تداوم سیاست‌ها و منافع حزبی و قومی تداوم راه پدر و البته "حاج قاسم سلیمانی" اسطوره و چراغ راه او می‌شود. میدان سیاست اما همچنان لابی‌گری در دالانهای کنگره و چراغ سبز به ارتجاع منطقه بویژه جمهوری اسلامی ایران است.

مردم جان به لب آمده از ستم حکومت سابق و امارت اسلامی طالبان، حق دارند دست به اسلحه ببرند، به خیابان‌ها بریزند، تشکیلات مخفی و جبهه مقاومت بسازند و علیه همه این بساط نفرت برای به زیر کشیدن حکومت طالبان مبارزه کنند. حق دارند جبهه مبارزه و مقاومت بسازند و به هر شکل ممکن از خود دفاع کنند. نقش مخرب این جبهه مقاومت سازی‌های جعلی احزاب جهادی دقیقاً در همین جا است. در به بیراهه کشاندن مبارزه‌ای که سر سوزنی نه مجاهد را می‌خواهد و نه طالب را. و می‌خواهد از

شورای نظار، پنجشیر و اسطوره سازی

جبهه مقاومتی که اساساً بر اسطوره سازی شناخته شده احزاب جهادی، برای پنهان کردن خواست‌ها، جایگاه طبقاتی، سابقه تاریخی و بند و بست‌ها بر قهرمان سازی و اسطوره پردازی‌های شرقی استوار است. مناسباتی که بر اساس قاموس و رسم و آیین تنظیمات جهادی و هرم قومی، انتقال قدرت از پدر به پسر، روال تداوم رهبری آن است، احمد مسعود را به نماد مقاومت و جانشینی پدر بدل می‌کند. هنگامی که معامله و مذاکره شورای نظار و صاحب منصبان حزب جمعیت اسلامی با طالبان به نتیجه نمی‌رسد، اعلام جهاد و مقاومت می‌کند. هم پیمان با باقیمانده قدرت ارگ، همزمان از آمریکا و شرکاء غربی تقاضای پشتیبانی می‌کند. لابی‌گری در دالانهای کنگره و سنا در آمریکا و اتکا به سابقه پشتیبانی فرانسه، بخشی از دیپلماسی آن می‌شود. خواست‌های سیاسی و مطالبات و منافع حزب جمعیت اسلامی و شورای نظار

تروریستی آن و دست‌های پنهان و آشکاری که این توحش بی بدیل را به قدرت بازگردانده است بسرعت خود را متشکل کرد و به میدان آمد. با بیانی بسیار واضح و روشن فریاد زد مقاومت خود مائیم! ما مردم! ما زنان و جسارتی که ما را سپر به سپر با توحش طالبان، در خیابان به جهانیان شناساندا شعارها و مطالبات و خواسته‌هایی که اساس حکومت طالبان و همه قوانین اسلامی تروریستی آن را به چالش می‌کشد. مبارزه‌ای که طالبان خود را عملاً بازنده آن یافت و بسرعت دست به سرکوب آن زد. جنبشی که نه راه مذاکره دارد، نه می‌شود ولایت و کرسی مقامات را با آن معامله کرد و به سازش رسید. نیرویی عظیم که بسرعت خود را آشکار خواهد کرد. راهی نوین مقابل جامعه خواهد گذاشت و راهش را برای همیشه از مسیر منحنی احزاب جهادی جدا خواهد کرد. هم اکنون این نیرو دارد خود را نمایان می‌کند و صدای صلابتش را جهان می‌شنود.

ادامه از صفحه ۳

”نقد بر سلطه یک حکومت تروریستی اسلامی نیست. نقد بر سر حقوق شناخته شده حق شهروندی در انتخاب شدن و انتخاب کردن نیست. دولت حتی در ساختار بورژوازی رایج جهان سرمایه‌داری که ماهیت طبقاتی آن در زیر سایه احزاب و پارلمان و حق رأی پنهان است، هم نیست. بلکه بر سر این است که جامعه یعنی اقوام! نه حق شهروندی متساوی در استفاده و دسترسی به امکانات موجود جامعه. حالا یک قوم آمده است و دولت تک قومی ساخته است. جبهه مقاومت پنجشیر مطالبه‌اش دولتی متشکل از همه اقوام است! آنجا هم که حضور زنان مطرح است، زنان در تقسیم قدرت شامل سهمیه اقوام می‌شوند.“

شر هر نوع ارتجاع خود را خلاص کند. در خیابان فریاد آزادی سر می‌دهد، و علیه زن آزاری و زن ستیزی به میدان آمده است. بر خلاف همه شئونات اسلامی مجاهدینی - طالبانی، برابری زن و مرد را فریاد می‌زند و راه نشان می‌دهد. جبهه مقاومت مردم افغانستان از اینجا، از خیابانها، از غریو شجاعانه و جسارت زنان سر بیرون کرده است.

حق شهروندی، دولت فراگیر از تحریف تا واقعیت

یک خواست جبهه مقاومت پنجشیر دولت همه شمول است. نقد و درد اصلی‌اش این است که از همه "اقوام" در دولت باشد. همان نسخه نخ‌نمای کنفرانس بن را مقابل جامعه گرفته است و می‌گوید اقوام در دولت طالبان نیستند، این دولت تک قومیتی است. همه پست‌های وزارتی را به یک قوم داده‌اند. این تمام عمق یک میلیتمتری نقد بر دولت طالبانی است.

در پایمال کردن حق شهروندی طالبان تنها نیست. احزاب جهادی سابق هم در همان جبهه ردیف شده‌اند با این تفاوت که سهم‌خواهی می‌کنند. کاسه به دست چشم به درگاه امارت دارند.

نقد بر سلطه یک حکومت تروریستی اسلامی نیست. نقد بر سر حقوق شناخته شده حق شهروندی در انتخاب شدن و انتخاب کردن نیست. دولت حتی در ساختار بورژوازی رایج جهان سرمایه‌داری که ماهیت طبقاتی آن در زیر سایه احزاب و پارلمان و حق رأی پنهان است، هم نیست. بلکه بر سر این است که جامعه یعنی اقوام! نه حق شهروندی متساوی در استفاده و دسترسی به امکانات موجود جامعه. حالا یک قوم آمده است و دولت تک قومی ساخته است. جبهه مقاومت پنجشیر مطالبه‌اش دولتی متشکل از همه اقوام است! آنجا هم که حضور زنان



جامعه بخوبی می‌داند، طالبان از بطن احزاب جهادی زاده شده‌اند. هم‌خون و هم ریشه‌اند و عاقبت با کسری از اختلاف کنار خواهند آمد. این منفعت میلیونها مردم افغانستان، میلیونها کارگر، زن، جوان و مبارز است که باید روی پای خود بایستند و فریاد بزنند جبهه مقاومت خود مانیم!

طالبان را به نام حاجی نورالدین عزیز از ولسوالی خنج، به سمت سرپرست وزارت تجارت منصوب کرده است. تا دهان‌ها بسته شود.

جبهه مقاومت و همه چراغ‌های پرنوری که راه مبارزه را در افغانستان تحت سلطه طالبان روشن می‌کند دارد خود را از زیر سیطره ارتجاعی و احزاب و تنظیمات جهادی بیرون می‌کشد.

حق رأی نیست. حاصل "تجمع بزرگان قوم" است. بزرگان قوم زور می‌زنند، رقابت و سازش می‌کنند تا وزارت و وکالت و ولایت را بین خود تقسیم کنند. این سابقه دولت سازی موروثی است که این بار به دست طالبان افتاده است. برای ساکت کردن و کیش و مات احزاب جهادی طالبان خرگوشی از کلاهش بیرون آورده است. این بار یک پنجشیری ذوب شده در ولایت

مطرح است، زنان در تقسیم قدرت شامل سهمیه اقوام می‌شوند.

احمد مسعود چگونه رهبر شده است؟! رهبری را از پدر به ارث برده است. پیش از آمدن طالبان و سیطره بر کشور و جبهه پنجشیر او رهبر شده بود. نه شورای نظار و نه حزب جمعیت اسلامی منتسب به او انتخابات و حق رأی ندارد. به همین ترتیب دولت هم حاصل

جنگ ایران و عراق: علل و پیامدها این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: چرا با گذشت ۴۱ سال از جنگ ایران و عراق هنوز درباره آن صحبت میشود؟ ریشه ها و زمینه ها و علل جنگ چه بود؟ از میان روایات مختلفی که در مورد جنگ شنیده میشود کدام روایت واقعی است؟ چرا جنگ بدرازا کشید؟ پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جنگ چه بود؟ رویکرد کشورهای مختلف و ابرقدرت ها نسبت به جنگ چه بود؟ گرایشهای مختلف سیاسی مثل ملی-اسلامی، ناسیونالیست ها و چپ ها و کمونیست ها در مورد جنگ چه تبیین و رویکردی داشتند؟ در باره این پرسش ها و پرسش های بیشتر با حمید تقوائی گفتگو میکنیم.

حمید تقوائی، امروز چهل و یکمین سالگرد جنگ ایران و عراق است. جنگی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و در نهایت پس از حدود ۸ سال در مرداد ۱۳۶۷ با قبول آتش بس از سوی دو طرف و پس از به جا گذاشتن یک میلیون نفر تلفات و ۱۱۹۰ میلیارد دلار خسارات به دو کشور خاتمه یافت. بخش اعظم مردم ایران نه خاطره ای و نه اطلاعات چندانی در مورد جنگ ندارند. چرا لازم است درباره جنگ صحبت کرد؟

حمید تقوائی: این اتفاق از چند نظر قابل بررسی و بازبینی است. اول اینکه گرچه بخش اعظم مردم ایران خاطره ای از این جنگ ندارند و خیلی ها آن زمان حتی هنوز دنیا نیامده بودند ولی نسلی از مردم فاجعه آن جنگ را تجربه کرده اند و بخشی مستقیماً در آن شرکت داشته اند. هنوز وضعیت نابسامان و سخت زندگی معلولین جنگی که تعداد آنها به بیش از نیم میلیون بالغ میشود، یک مساله مهم اجتماعی است که جمهوری اسلامی نه تنها دردی از آنان دوا نکرده است بلکه با سیاستهای ضد انسانی خود بر درد و رنج آنها نیز افزوده است.

هشت سال فاجعه جنگ را با این نوع تبلیغات اسلامی-ناسیونالیستی توجیه میکرد. هنوز هم همانطور که بالاتر اشاره کردم همین نوع گفتمانها را در مورد جنگ ایران و عراق اشاعه میدهند.

نیروهای اپوزیسیون راست هم از زاویه دفاع از میهن و تمامیت ارضی و بویژه ضدیت با حکومت صدام که سابقه تخاصماتش با دولت ایران بدوران شاه میرسید، در قبال جنگ ایران و عراق با جمهوری اسلامی در یک کمپ قرار میگیرند. هنوز هم وقتی از جنگ ایران و عراق صحبت میشود نیروهای اپوزیسیون سلطنت طلب و ناسیونالیست به آن بعنوان دفاع از میهن و تمامیت ارضی در برابر تجاوز حکومت صدام بر خورد حمایت آمیزی دارند.

در دوره جنگ حتی بعضی از نیروهائی هم که خود را چپ میدانستند در موضعگیری در قبال این آن سردرگم شدند. برخی برخورد دو گانه کردند و حتی نیروهائی مثل حزب توده و اکثریت صریح و مستقیم به حمایت از جمهوری اسلامی برخاستند.

اما موضع رادیکال و کمونیستی در قبال جنگ، تبیینی که ریشه و علل واقعی جنگ را توضیح میدهد ارزیابی این واقعه بر متن شرایط سیاسی ایران بعد از انقلاب ۵۷ است. از این نقطه نظر این جنگ با دیگر جنگهائی که در قرن

خلیل کیوان: همانطور که گفتید روایات مختلفی در مورد جنگ وجود دارد. جمهوری اسلامی از آن بعنوان جنگ تحمیلی و جنگ مقدس یاد میکند. طرف دیگر، یعنی رژیم صدام آنرا قادیسیه صدام مینامد و ناسیونالیسم عرب آن را در راستای تداوم منازعه تاریخی اعراب و ایرانیان ارزیابی میکند. ناسیونالیسم ایرانی هم از تجاوز صدام به خاک کشور و میهن سخن میگفت و عملاً خود را در خدمت جمهوری اسلامی قرار داده بود. در باره این روایت ها چه نظری دارید؟ تبیین شما چیست؟

حمید تقوائی: تا آنجا که به خود حکومت مربوط میشود موضوع روشن است. حکومت تلاش کرد از این جنگ حماسه ای بسازد و مردم را تحت عنوان دفاع مقدس از اسلام و از ایران در حمایت از خود بسیج کند. طرف مقابل یعنی حکومت صدام هم همین برخورد را به جنگ داشت. در یک سطح عمومی میتوان گفت این موضع و سیاست همه دولتهای درگیر جنگ است که در بر طبل ناسیونالیسم و تقدس آب و خاک بکوبند و با متوجه کردن اذهان جامعه به دشمن خارجی از یکسو همه مسائل و مشکلات مردم را به بهانه جنگ توجیه کنند و از سوی دیگر تلاش کنند مردم را به حمایت از خود بکشانند. دولتهای ایران و عراق هم از این قاعده مستثنی نبودند. جمهوری اسلامی به مدت

اما علاوه بر این جنبه انسانی، نکته دیگر اینست که جنگ هشت ساله تحولی در تاریخ معاصر ایران است که از نظر سیاسی و اجتماعی تأثیرات زیادی داشته است. جمهوری اسلامی این جنگ را یکی از افتخارات خود میدانند و در هر سالگردی از این فاجعه بعنوان دفاع مقدس و یک حماسه اسلامی و ملی یاد میکند. بویژه بعد از سقوط صدام، جمهوری اسلامی مدال پیروزی استراتژیک در این جنگ را هم به سینه خودش زده است.

اما علاوه بر تبلیغات و ارزیابی های حکومت از جنگ، از جانب نیروهای اپوزیسیون ناسیونالیستی و راست نیز همیشه روایتی از جنگ داده میشود که ربطی به واقعیت ندارد. این روایتها یکی از فبیح ترین جنایات در تاریخ معاصر ایران را بعنوان یک حماسه ملی و دفاع مقدس و غیره جلوه میدهند و از آن بعنوان ابزاری برای تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی و کلا طبقه حاکمه در ایران استفاده میکنند.

از این رو جنگ هشت ساله هنوز مساله مطرحی است. لازمست ما و نیروهائی مثل حزب ما در برابر این نوع تلاشها و تبلیغات حکومت و نیروهای راست بایستیم و حقایق و واقعیات جنگ را برای مردم توضیح بدهیم.

گذشته رخ داد متفاوت است. مطلوبیت جنگ برای جمهوری اسلامی اساساً سرکوب انقلاب ۵۷ بود. سابقه و زمینه های تاریخی جنگ با عراق هر چه بود جمهوری اسلامی از آن برای سرکوب انقلاب و تثبیت قدرت خود استفاده کرد. بخاطر باید داشت که در دوره ای که جنگ شروع شد هنوز انقلاب ۵۷ ادامه داشت. هنوز شوراها در بسیاری از کارخانه ها و دانشگاهها برپا و مطرح بود، کارگران و زنان و دانشجویان خواستهای انقلابی خود را در برابر ضد انقلاب تازه بقدرت رسیده دنبال میکردند، در کردستان مردم جمهوری اسلامی را نمی پذیرفتند و جنبش گسترده ای در میان منطقه شکل گرفته بود و کلا جامعه در جوش و خروش بود. انقلاب بدنال تحقق خواستها و اهداف انسانی و برحق خود بود و جمهوری اسلامی توانائی مهار و سرکوب انقلاب را نداشت. در این دوره دو اتفاق افتاد که در خدمت سرکوب انقلاب قرار گرفت. اول تسخیر سفارت آمریکا بوسیله دانشجویان خط امام در آبان سال ۵۸ و دوم آغاز جنگ با عراق.

جمهوری اسلامی بعد از تسخیر سفارت، با شعار مرگ بر شیطان بزرگ و کوبیدن بر طبل ضد آمریکائیگری با مبارزات مردم برای خواستههایشان، یعنی همان خواستههایی که برای تحقش علیه حکومت شاه انقلاب کرده بودند، به مقابله برخاست و تلاش کرد با شعار بعد از شاه نوبت آمریکاست از طرح شعارهای انقلابی کارگران و زنان و بخشهای مختلف جامعه ممانعت کند. اما گروگانگیری اعضای سفارت آمریکا در هر حال رخداد کوتاه مدتی بود که پس از چند ماه تأثیر خود را از دست داد و نتوانست جامعه انقلابی و معترض را منکوب کند. جامعه همچنان می خروشد، جنبش

ادامه از صفحه ۵

”جنگ با عراق تبدیل به محمل و پرچمی شد برای سرکوب انقلاب ایران و برای اینکه ضد انقلاب تازه بقدرت رسیده بتواند خودش را تثبیت کند. حمله حکومت به نیروهای چپ و انقلابی ۹ ماه بعد از آغاز جنگ، در ۳۰ خرداد ۶۰ اتفاق افتاد و در پناه و در فضای سیاسی ناشی از جنگ بود که حکومت قادر شد در آن روز شمشیرها را از رو ببندد و به روی انقلاب و انقلابیون تیغ بکشد.“

کارگری و جنبش شورائی همچنان به پیش میرفت و سر باز ایستادن نداشت. زنان هم در اشکال مختلف در برابر ارتجاع تازه بقدرت رسیده مقاومت میکردند. جنگ ایران و عراق در چنین شرایطی رخ داد و در واقع به کمک جمهوری اسلامی شتافت. شرایط، جنگی و استثنائی اعلام شد و هر نوع اعتراض و مبارزه مردم برای تحقق خواستههایشان کمک به دشمن و خیانت به دولت و کشور تلقی شد.

از سوی دیگر در اثر بمباران شبانه شهرها زندگی مردم کاملاً نا امن شده بود و زندگی روزمره مردم حالت نرمال و متعارف خود را از دست داده بود. و این فاکتور هم به نفع حکومت عمل میکرد.

به این ترتیب جنگ با عراق تبدیل به محمل و پرچمی شد برای سرکوب انقلاب ایران و برای اینکه ضد انقلاب تازه بقدرت رسیده بتواند خودش را تثبیت کند. حمله حکومت به نیروهای چپ و انقلابی ۹ ماه بعد از آغاز جنگ، در ۳۰ خرداد ۶۰ اتفاق افتاد و در پناه و در فضای سیاسی ناشی از جنگ بود که حکومت قادر شد در آن روز شمشیرها را از رو ببندد و به روی انقلاب و انقلابیون تیغ بکشد.

گرچه در دوره جنگ هم اعتراضات ادامه یافت ولی دیگر ابعاد و حالت تعرضی قبل از جنگ را از دست داده بود. همانطور که اشاره کردم حتی برخی از نیروهای اپوزیسیون هم به کمپ جمهوری اسلامی پیوستند و از این نظرهم مبارزات مردم تضعیف شده بود. به همین دلیل بود که بارها خمینی جنگ با عراق را برکت نامید و رضایت به ختم جنگ را به سر کشیدن جام زهر تشبیه کرد.

نکته اصلی و محوری این تحلیل و ارزیابی از جنگ، که در همان مقطع آغاز جنگ بوسیله گروه اتحاد مبارزان کمونیست که من عضوی از آن بودم در جامعه مطرح شد،

بعد و بدنبال سقوط حکومت صدام اتفاق افتاد و امروز از جانب مردم بیخاسته در عراق و حتی در لبنان، بجالش کشیده شده و تضعیف شده است - نبود بلکه برای حکومتی که هنوز در برابر تداوم انقلاب ۵۷ خود را متزلزل و بی ثبات میدید کاربرد کامل داخلی داشت: اعتراضی علیه خود، به فضای اسلامی - ناسیونالیستی علیه دشمن خارجی.

خلیل کیوان: جنگ ایران و عراق طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود. چرا اینقدر به درازا کشید؟

حمید تقوائی: بخاطر اینکه حکومتها چه در منطقه و چه در جهان غرب نمی خواستند هیچیک از دو طرف در این جنگ پیروز بشوند. خواهان آن بودند که جنگ خاتمه پیدا کند بی آنکه طرف پیروزی داشته باشد. به همین خاطر خیلی از دولتها به هر دو طرف کمک میکردند. مشخصاً دولت آمریکا حتی از نظر نظامی هم به جمهوری اسلامی کمک میکرد و هم به دولت عراق.

کشورهای عربی هم برخی ادامه در صفحه ۷

شهادت برسند. اما توده مردم با مصائبی نظیر بیکاری و فقر و نا امنی و سرکوب روبرو بودند و در ادامه انقلاب ۵۷ و با مومنتم این انقلاب در برابر ضد انقلاب تازه بقدرت رسیده مقاومت میکردند. شعار بعد از شاه نوبت آمریکا است بعد از تسخیر سفارت آمریکا، و با آغاز جنگ شعار فتح قدس از طریق کربلا شعارهای ارتجاعی حکومت در ضدیت با شعارهای انقلابی مردم بود. جمهوری اسلامی با این شعارها تلاش میکرد فضای اعتراضی در ایران را مسخ و تحریف کند و آنرا به بیراهه مقابله با دشمنان خارجی بکشاند. یعنی همین سیاستی که تا امروز هم دنبال کرده است.

حکومت مدام تبلیغ میکرد صدام نوکر آمریکا است و آنها از طریق این جنگ میخواهند "انقلاب اسلامی" را نابود کنند و تبلیغاتی از این قبیل که که البته هیچ ربطی به واقعیت نداشت. کما اینکه بعدا روشن شد که در طی جنگ با عراق دولت آمریکا حتی از نظر تسلیحاتی به جمهوری اسلامی کمک می کرده است. در هر حال این نوع تبلیغات و شعارهای حکومت در طی جنگ بخاطر بسط نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و یا در منطقه - امری که سالها

نظیر راه قدس از کربلا میگذرد را مطرح میکرد؟ آیا در پی این نبود که حکومتی شیعی را در عراق بر پا کند آنطور که بعدها به نوعی همین طور هم شد؟

حمید تقوائی: ابتدا در مورد حکومت شیعی در عراق باید خاطر نشان کنم که گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در عراق ناشی از سقوط حکومت صدام در اثر تهاجم نظامی آمریکا و متحدانش در سال ۲۰۰۳، یعنی پانزده سال بعد از ختم جنگ ایران و عراق، بود و نه ثمره جنگ هشت ساله و یا تحقق شعار ایدئولوژیک و توخالی فتح قدس از طریق کربلا!

اما در رابطه با بخش اول سئوالتان طرح همین شعار فتح قدس از طریق کربلا بر تبیینی که توضیح دادم کاملاً صحنه میگذارد. طرح این شعار نشان دهنده تلاش حکومت برای تحریف و عقب راندن شعارهای بر حق مردم است. از نظر واقعی و عملی همه حتی خود حکومتی ها هم میدانستند این شعار پوچ است و دست حکومت نه به کربلا خواهد رسید و نه به قدس! در واقع این صرفاً یک شعار ایدئولوژیک اسلامی بود برای توجیه و تهییج صفوف خود حکومت و حزب الهی ها و نیروهای مسلح اش. برای آماده سازی آنها که فداکاری کنند و در راه اسلام به

این بود که جنگ جمهوری اسلامی و دولت صدام، در مضمون خود جنگی است علیه انقلاب. آنچه در طی هشت سالی که جنگ ادامه داشت اتفاق افتاد کاملاً براین تبیین و ارزیابی صحنه گذاشت. همه شاهد بودیم که چطور به بهانه جنگ و در فضای سیاسی که جنگ ایجاد کرده بود حکومت اسلامی زد و بست و اعدام و سرکوب کرد.

این را هم اضافه کنم که برای حکومت صدام هم در نهایت مطلوبیت جنگ تثبیت قدرت خود در عراق و در منطقه بود. او چنین تصور میکرد که بعد از انقلاب ارتش ایران تضعیف شده و او میتواند با پیروزی در این جنگ به قدرت فائده در جهان عرب و در خاورمیانه تبدیل بشود. نفس انقلاب ۵۷ هم برای حکومت صدام یک خطر بالقوه محسوب میشد. در همسایگی او انقلاب چپ و کوبنده ای رخ داده بود که بخصوص میتوانست از طریق کردستان و جنبش توده ای رفع ستم ملی در این منطقه به عراق هم سرایت کند. از این نقطه نظر برای حکومت صدام نیز مانند حکومت اسلامی، هم از نظر استراتژیک و هم تاکتیکی جنگ برکتی آسمانی محسوب میشد.

خلیل کیوان: اگر قصد جمهوری اسلامی سرکوب انقلاب بود چرا شعارهایی

ادامه از صفحه ۶

”برای نیروهای ناسیونالیست دفاع از “حکومت خودی” در طی جنگ، حتی اگر مانند جمهوری اسلامی کارنامه قطوری در سرکوب و کشتار “مردم خودی” داشته باشد، یک اصل مقدس است. ما شاهد بودیم که در دوره ای که گفتمان احتمال حمله دولت آمریکا مطرح بود نیروهای اپوزیسیون راست اعلام کردند که در صورت وقوع چنین حمله ای به دفاع از میهن در برابر خارجی ها، یعنی عملاً دفاع از جمهوری اسلامی بر خواهند خاست.“

کنار جمهوری اسلامی و برخی کنار دولت صدام قرار گرفته بودند ولی برای هیچیک پیروزی جمهوری اسلامی و یا حکومت عراق امر مطلوبی نبود. نه میخواستند حکومت صدام بعنوان قدرت برتر جهان عرب از این جنگ سر بر کند و نه طبعاً خواهان قدرقدرتی حکومت شیعی در ایران بودند. بخصوص کشورهای کوچکی مثل امارات متحده عربی و کویت، که بعداً حدود یک دهه بعد از ختم جنگ ایران و عراق از طرف صدام مورد هجوم قرار گرفت، از قدرت گیری هر یک از دو طرف جنگ بشدت نگران بودند. به همین دلیل منفعت همه این دولتها چنین ایجاب میکرد که جنگ ایران و عراق پیروز نداشته باشد.

غرب هم همین نوع ملاحظات را داشت. آن زمان هنوز کمپ شوروی پا برجا بود و غرب نمی خواست حکومت صدام که سنتا به کمپ شوروی متعلق بود تقویت بشود. از سوی دیگر هم طبعاً خواهان آن نبود که جنگ با پیروزی جمهوری اسلامی که پرچم مرگ بر شیطان بزرگ را بلند کرده بود، پایان برسد.

ازینرو دولتها، بخصوص قدرتهای غربی که کمک و حمایتشان میتوانست تعیین کننده سرنوشت جنگ باشد، به هر دو طرف کمک میکردند. و این دلیل اصلی بدرازا کشیدن جنگ بمدت هشت سال بود. در واقع میتوان گفت که این بورژوازی جهانی بود که این جنگ را بمدت هشت سال ادامه داد. منفعتش اینطور ایجاب میکرد.

خلیل کیوان: جنگ هشت ساله پیامدهای گسترده ای داشت. در مورد پیامدهای فوری و دراز مدت و ماندگار جنگ چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: یک پیامد فوری جنگ این بود که بلافاصله بعد از ختم آن جمهوری اسلامی دست به اقدامهای وسیعی زد. اقدام جمعی چندین هزار زندانی سیاسی در تابستان

جنگ ایران و عراق تجربه و مورد مشخصی بود که به این نوع نظرات ارتجاعی در جامعه دامن زد و هنوز هم در خدمت جمهوری اسلامی عمل میکند. همین امروز هم اگر شما شبیه همین مصاحبه را با نیروهای اپوزیسیون راست انجام بدهید بجز تاکید بر وظیفه ملی - میهنی دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با دشمن خارجی چیزی نخواهید شنید. فراموش نکنید که وقتی قاسم سلیمانی کشته شد نیروهای اپوزیسیون راست بعنوان سردار ملی از او یاد کردند. این گرایش ارتجاعی در جامعه هست که لازم میکند در مورد جنگ صحبت کنیم و این نوع نظرات را افشا و منزوی کنیم. همیشه برای دولتهای سرکوبگر بخصوص در دوره ما برای دولتهای سرمایه دار و یک درصدی جنگ بهانه ای بوده است برای تثبیت قدرت خودشان، برای تضييع حقوق مردم و سرکوب جامعه در کشورهای دیکتاتور زده ای نظیر ایران. به همین دلیل ما نیروهای کمونیست و انقلابی وظیفه داریم در برابر این گرایش بایستیم و جامعه را از این نوع سموم ناسیونالیستی مصون بداریم.

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱

ناسیونالیسم میشود. تحت نام دفاع از میهن و آب و خاک و غیره دولتها نه تنها انواع جنایتها را مرتکب میشوند بلکه از آن حماسه ملی و میهنی و مذهبی میسازند و موقعیت خود را تقویت میکنند.

جنگ هشت ساله تا همین امروز موضوع این گفتمانهای ناسیونالیستی و ضد مردمی در میان حکومتی ها و حتی نیروهای اپوزیسیون راست بوده است. برای نیروهای ناسیونالیست دفاع از “حکومت خودی” در طی جنگ، حتی اگر مانند جمهوری اسلامی کارنامه قطوری در سرکوب و کشتار “مردم خودی” داشته باشد، یک اصل مقدس است. ما شاهد بودیم که در دوره ای که گفتمان احتمال حمله دولت آمریکا مطرح بود نیروهای اپوزیسیون راست اعلام کردند که در صورت وقوع چنین حمله ای به دفاع از میهن در برابر خارجی ها، یعنی عملاً دفاع از جمهوری اسلامی بر خواهند خاست. نظریه ناسیونالیستی که “خارجی ها” را دشمن و همه “هم میهنان” را دوست محسوب میکند در دوره جنگ تعمیم پیدا میکند به حمایت تمام عیار از “دولت خودی”.

شد نقطه اوج اعدامها بود. حکومت نه از سال ۶۰ بلکه از همان اولین روز بقدرت رسیدن اعدامها را آغاز کرد. اعدامها بعد از جنگ شروع نشد ولی بعد از جنگ به سطح یک نسل کشی “ارتقا” پیدا کرد. مقطع تابستان ۶۷ نقطه اوج کشتار زندانیان سیاسی است. هنوز آمار دقیق و ابعاد این کشتار معلوم نیست و این موضوع یک امر مهم جنبش داخواهی است. موضوعی که امروز در دادگاه حمید نوری، از همدستان رئیسی جلاد در کشتار ۶۷، نیز مطرح شده است و در دست بررسی است.

در هر حال این کشتار اولین پیامد جنگ بود. ویرانی و خانه خرابی ناشی از جنگ و وضعیت نابسامان معلولین جنگی که به یک معضل مزمن اجتماعی تبدیل شده و تا امروز ادامه دارد نیز از جمله پیامدهای دیگر جنگ هشت ساله است. در اثر این جنگ زندگی بر باد رفت، از جمله زندگی بخش قابل توجهی از معلولین جنگی که نه تنها قربانیان زنده مانده این جنگ، بلکه قربانی سیاستهای جمهوری اسلامی در دوران بعد از جنگ نیز هستند.

از نظر سیاسی هم باید گفت که نفس جنگ بین دولتها همیشه موجب تقویت

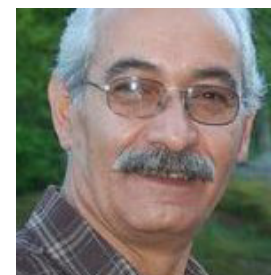
۶۷ که هنوز زخم عمیق آن بر بدنه جامعه التیام نیافته و یک موضوع و امر مهم جنبش داخواهی است. این کشتارها در ادامه اعدامهایی بود که از همان ابتدا جمهوری اسلامی آغاز کرده بود ولی بعد از ختم جنگ ابعاد بیسابقه ای پیدا کرد. رئیسی که امروز لقب رئیس جمهور را یدک میکشد بخاطر مسئولیت مستقیم در این اعدامها است که بوسیله مردم ایران و رسانه های جهانی لقب جلاد و قصاب تهران و رئیس جمهور قاتل گرفته است.

چرا این جنایت اتفاق افتاد؟ علت این بود با ختم جنگ بهانه و محمل تبلیغاتی حکومت برای مقابله با اعتراضات از بین رفته بود. بعلاوه خود جنگ باعث بسیاری از مصائب و خانه خرابی ها و فجایعی بود که برسر مردم آوار شده بود و به این دلیل جامعه در حال انفجار بود. در این شرایط رژیم به این نتیجه رسید که باید بیرحمانه بکوبد و اعدامهای تابستان ۶۷ شروع این تهاجم وسیع بود.

خلیل کیوان: ولی اعدامها از سال ۶۰ شروع شده بود.

حمید تقوایی: بله، ولی تابستان ۶۷ که جنگ تمام

مردم عراق و کردستان عراق خواهان اخراج جمهوری اسلامی هستند



عبدل گلپریان

بعد از سرنگونی حکومت صدام حسین در سال ۲۰۰۳ توسط نیروهای آمریکا و متحدانش در عراق، مردم این کشور با سوغات نظم کهنه و گندیده، قومی، اسلامی آمریکا در این کشور روبرو شدند. عروج باندها و دستجات قومی، عشیره ای و اسلامی و تکیه زدن آنان بر مسند قدرت، پای جمهوری اسلامی به این کشور را باز کرد. از آن مقطع به بعد حضور سیاسی، امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی در عراق زندگی میلیونها شهروند این کشور را با جنگ، فقر، بیکاری و آوارگی صد چندان وخیم تر کرده است. شعار اصلی و محوری قیام کنندگان در میدان تحریر بغداد و دیگر شهرهای عراق در اولین روزهای اکتبر ۲۰۱۹ اخراج جمهوری اسلامی از عراق، کنار زدن دستجات قومی و اسلامی حاکم و آزادی، رفاه و جامعه ای سکولار برای مردم این کشور بود.

اکنون مردم عراق بویژه در جنوب این کشور بر این مسئله عمیقاً واقف هستند که بانی و مسبب اصلی فقر، فلاکت و محرومیت آنان از یک زندگی انسانی، باندها و جریانات قومی اسلامی حاکم بر عراق هستند و جمهوری اسلامی از جهات مختلف به آنان کمک می کند. دستجات حشد الشعبی و باندهای تروریست اسلامی در عراق اکنون به عنوان بازوی مسلح و موازی با دولت مرکزی، زندگی مردم عراق را تباہ کرده اند.

قبل از سرنگون شدن رژیم صدام حسین توسط نیروهای آمریکا و ائتلاف، جمهوری اسلامی در سال ۱۹۹۱ به

کمک احزاب قومی عشیره ای ناسیونالیست کرد شتافت. از آن تاریخ تا به امروز و بتدریج پای نهادهای کنسولگری ها و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم اسلامی به کردستان عراق باز شد.

امروز اگر از هر شهروند ساکن شهر سلیمانیه، اربیل و دیگر مناطق تحت حاکمیت حکومت اقلیم پرسید که چه کسانی در کردستان عراق حکم می رانند جواب خواهد داد که در شرق اقلیم جمهوری اسلامی و در شمال دولت ترکیه بیکه تازی می کنند. به شما خواهند گفت که احزاب قومی، طایفه ای و اسلامی حاکم بر اقلیم کردستان تماما گوش به فرمان آنان هستند.

طی سه دهه اخیر تا کنون ارتش ترکیه به بهانه حضور پ ک ک در شمال اقلیم کردستان با احداث دهها پایگاه نظامی در داخل محدوده اقلیم کردستان، این مناطق را هر از چندگاه وسیعاً توپ باران کرده است و از طریق زمینی و هوایی زندگی مردم مناطق مرزی را به جهنم تبدیل کرده است.

است و این سکوت در دنیای سیاست معنایی جز همسویی و همکاری حکومت اقلیم و حزب بارزانی با حکومت جمهوری اسلامی ندارد.

طی بیش از یک ماه اخیر که دولت آمریکا نیروهای نظامی خود از افغانستان را خارج کرد و در این کشور فعلاً میدان به دست باندها و دستجات اسلامی همچون طالبان، القاعده و داعش افتاده است، جمهوری اسلامی تلاش می کند از این نمذ برای خود کلاهی بدوزد و با عریده کشی و حمله به مراکز استقرار احزاب ایرانی اپوزیسیون، در اقلیم کردستان برتری طلبی خود را برای بده بستانهای منطقه ای به رخ بکشد.

حملات پی در پی سپاه پاسداران به مواضع استقرار احزاب اپوزیسیون، ترورهای مختلف طی این سالها در شهرهای کردستان عراق که آخرین مورد آن ترور موسی باباخانی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در روز شانزدهم مرداد بود با چشم پوشی و تأیید پشت پرده حکومت اقلیم

در قسمت شرق اقلیم نیز نیروهای نظامی، امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی میدان داری می کنند. جمهوری اسلامی همانند همتای اسلامی خود، دولت ترکیه، سیاستهای ضد انسانی اش علیه احزاب اپوزیسیون، مخالفین سیاسی و مردم ساکن در این بخش و در نوار مرزی را با کمک اتحادیه میهنی طالبانی به پیش می برد. نیروهای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، پیشینه ای قدیمی تر از دولت ترکیه برای حمله و موشک پرانی به احزاب اپوزیسیون و مردم کردستان در مناطق مرزی را در کارنامه خود دارند. این رژیم به قدمت موجودیت خود علیه مردم کردستان و احزاب اپوزیسیون، با حملات و یورش نظامی و ترور مخالفین سیاسی به جامعه خون پاشیده است. طی تمام این سالها حزب بارزانی یعنی حزب دمکرات کردستان عراق به عنوان حاکم بر بخشی از حکومت اقلیم کردستان هیچگاه موضع یا واکنشی در مقابل قلدری و آدمکشی جمهوری اسلامی از خود نشان نداده

کردستان چفت شده است. سکوت و بی تفاوتی تاریخی احزاب قومی اسلامی حاکم بر کردستان عراق معنایی جز تأیید این توحش که جمهوری اسلامی در پیش گرفته است ندارد.

اکنون دیگر برای مردم کردستان عراق روشن است که این حملات از سوی ارتش دولت ترکیه و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بدون رضایت هر دو حزب اصلی حاکم بر اقلیم، یعنی اتحادیه میهنی تحت کنترل طایفه طالبانی و حزب دمکرات کردستان عراق وابسته به عشیره بارزانی ممکن نیست. یکی از سران سپاه پاسداران بنام علی شمخانی اخیراً گفته بود که، "حکومت اقلیم کردستان باید احزاب اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق را از آنجا بیرون کند." حکومت اقلیم باز هم با سکوت خود عریده کشی های شمخانی را نظاره گر بود.

اما آیا حکومت اقلیم کردستان

ادامه از صفحه ۸

و سپاه پاسداران به همراه باندهای تروریست جمهوری اسلامی قادر به عملی ساختن این تهدیدات خواهند شد؟ پاسخ به این سوال منفی است. ممکن است حکومت اقلیم کردستان محدودیت های بیشتری برای احزاب اپوزیسیون رژیم اسلامی به عمل آورد اما نه جمهوری اسلامی و نه احزاب حاکم بر اقلیم کردستان عراق تحت هیچ عنوانی قادر به عملی ساختن عریده کشی فرمانده سپاه پاسداران نخواهند شد. یکی از دلایل اصلی غیر عملی بودن چنین شاخ و شانه کشیدنهایی این است که روابط و مناسبات تاریخی، اجتماعی، مبارزاتی و حتی پیوندهای خانوادگی بین مردم کردستان عراق و کردستان ایران درهم تنیده شده اند. طی تاریخ هفتاد سال گذشته اگر هر تحول سیاسی مهمی در اوضاع و احوال کردستان ایران و کردستان عراق رخ داده است و حکومت‌های مرکزی دست به حمله و کشتار مردم و احزاب اپوزیسیون در هر دو سوی مرز زده اند، تنها و تنها مردم مبارز و متنفر از سرکوبگران در مقابل توحش و نسل کشی آنان ایستاده و مقاومت کرده و از یکدیگر و دفاع برخاسته اند. در

نتیجه این تهدیدات و قلدرد منشی تروریست‌های جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران فقط برای این است که نشان دهند گویا بیکه تاز میدان هستند.

اما در دنیای واقع سوال اصلی این است که چه کسانی و چه نهاد و دستگاه‌هایی باید از کردستان عراق اخراج شوند؟ پاسخ به این سوال را مردم معترض، انقلابی و متنفر از جمهوری اسلامی در اکتبر ۲۰۱۹ در میدان تحریر بغداد، در شهرهای ناصریه، بصره و دیگر شهرهای عراق در شعارهایشان با تمام قدرت فریاد زدند و گفتند: "عراق حره حره، ایران بره بره" یعنی عراق باید آزاد شود و ایران (جمهوری اسلامی) اخراج شود. میلیونها نفر در این اعتراضات علیه حکومت مرکزی عراق به روشنی این پیام را در گوش باندها و دستجات اسلامی عشیره ای حاکم بر این کشور فرو کردند و بر "یک عراق آزاد و اخراج جمهوری اسلامی از این کشور" تاکید کردند. مردم به ستوه آمده عراق همزمان علیه قاسم سلیمانی سرکرده تروریست های جمهوری اسلامی شعار سردادند. مردم عراق به خوبی می دانستند که با هر اعتراض و تظاهراتی که پایه های حکومت مرکزی

را می لرزاند و می رود که بساط جمهوری اسلامی از عراق را جمع کند بلافاصله قاسم سلیمانی و باندهای تحت سرپرستی او خود را به عراق می رسانند تا به تجمعات مردم خون بیاشند و بارها به سوی مردم معترض و فعالین شناخته شده در این اعتراضات شلیک کردند و جان شماری از معترضین را گرفتند.

مردم عراق در اکتبر ۲۰۱۹ و با سردادن این شعار به مردم کردستان عراق راه نشان دادند. در اوضاع و احوال کنونی که سپاه پاسداران و نیروهای اطلاعاتی رژیم همانند حشد الشعبی در جنوب عراق که زندگی میلیونها انسان این کشور را با خطر جنگ، نا امنی، فقر و عدم بر خورداری از ابتدایی ترین نیازمندیهای روزانه مواجه ساخته است، طی این سالها زندگی مردم در اقلیم کردستان عراق را نیز به همین سرنوشت دچار کرده اند.

نهادها، نیروهای نظامی و دستگاه تروریسم اسلامی تحت عنوان کنسولگریها باید از کردستان عراق اخراج و بساطشان جمع شود. این را مردم کردستان عراق که بارها برای به زیر کشیدن احزاب

حاکم بر اقلیم کردستان به میدان آمده اند می توانند به فریاد، خواست و شعار خود تبدیل کنند. سرنوشت و مبارزه مردم کردستان عراق و کردستان ایران برای دستیابی به یک زندگی انسانی امری مشترک است. مردم در هر دو سوی مرز سالها است که گرفتار توحش، آدمکشی، تحمیل فقر و نداری از سوی جمهوری اسلامی با همکاری احزاب حاکم بر عراق و احزاب ناسیونالیست، قومی عشیره ای حاکم بر اقلیم کردستان عراق هستند.

نهادها، تشکیلات، افراد و شخصیت‌های سیاسی رادیکال، چپ و سکولار در کردستان عراق بارها این قابلیت را از خود نشان داده اند که علیه توحش نیروهای حکومت اسلامی در اقلیم کردستان حرکت های اعتراضی، تجمع و میتینگهای هزاران نفره در دفاع از حقوق زن و علیه اعدام سازمان دهند. اعتراضات توده ای آنان علیه احکام و مجازات اعدام توسط جلادان رژیم اسلامی در ایران و کردستان، نمونه های درخشانی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی در شهرهای سلیمانیه، اربیل و دیگر شهرهای کردستان عراق بوده است.

اکنون نیز این پتانسیل مبارزاتی در میان این چهره ها و تشکل های اجتماعی برای دفاع از مدنیت، برای ایستادگی و مبارزه علیه ناامنی، علیه ویران کردن خانه و کاشانه مردم که در مناطق تحت حاکمیت حکومت اقلیم صورت می گیرد وجود دارد و می توان حرکت های اعتراضی وسیع و اجتماعی علیه حضور نهادهای اطلاعاتی و نیروهای نظامی امنیتی جمهوری اسلامی در کردستان عراق را سازمان داد. تنها راه مقابله با جمهوری اسلامی در کردستان عراق، افسار زدن به نیروهای نظامی و مقابله با سرکوب احزاب اپوزیسیون، تلاش برای ایجاد امنیتی نسبی در کردستان عراق و بالاخره فشار آوردن به احزاب حاکم بر اقلیم کردستان عراق از این مسیر می گذرد. چنین تلاشی ممکن و میسر است و می توان با اتکا به حرکت‌های توده ای و اجتماعی، فضای سیاسی جامعه کردستان را با طرح این خواست که جمهوری اسلامی باید از عراق و کردستان عراق اخراج شود، متحول کرد.

۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱

ماهوره یاه ست

ماهوره یوتلست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

پخش زنده آنلاین:

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهوراه های:

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



گوشه هایی از زندگی فراز آزادی (قاسم کریمی)

عضو کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران

در نتیجه کمیته ایجاد شوراها را درست کردیم و از مردم خواستیم که شوراها را درست کنند.

در همین مقطع نشریه ای بنام "آارات" را منتشر میکنند که فراز سردبیرش میشود. در نشریه در باره اعمال اراده مردم در سرنوشت خودشان و اینکه مردم خود باید در صحنه سیاسی باشند و در سرنوشت خود سهیم شوند تبلیغ میکنند و در نتیجه این فعالیتها، در یک سال میان اردیبهشت ۵۸ تا ۵۹ میتوانند مردم را به اشکال مختلف از جمله شوراها مردمی برای اعمال اراده در زندگیشان متشکل کنند. ۱۸ اردیبهشت سال ۵۹ دستگیر میشود و به زندان ارومیه منتقل میشود. چهار ماه در انفرادی می ماند. بعدا تحویل زندان تبریز میشود و توسط آیت الله موسوی تبریزی، رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی آذربایجان محاکمه میشود و به یک سال زندان محکوم میشود و یکسال در زندان می ماند.

فراز در خاطرات مربوط به این دوره میگوید: "در انفرادی تصمیم گرفته بودم که در

ادامه در صفحه ۱۱

به مطالعه آثار مارکس و انگلس میکند.

با انقلاب ۵۷ به ایران برمیگردد که در انقلاب مردم ایران علیه نظام سلطنتی شرکت کند. در خاطرات شفاهیش میگوید که "در انقلاب ۵۷ برگشتم به ایران. گفتم من دارم میروم که آمالها و آرزوهایم را که انقلاب است و دگرگونی در جامعه متحقق کنم". اما در همین مقطع از جنبش فدایی فاصله میگیرد. در خاطراتش میگوید که "با قیام بهمن ۵۷ مشخص شد که فداییها و موتور کوچک و موتور بزرگ بی ربط بود به جامعه و این بار موتور بزرگ بود که توانست موتور کوچک را از زندانها نجات بدهد."

در این مقطع فراز که همیشه دنبال راهی بود که بتواند تغییری واقعی در زندگی مردم بوجود آورد، تصمیم میگیرد به منطقه محل تولد و زندگی دوران جوانیش برگردد. میگوید که در این دوره "تناقضات زیادی را تشخیص میدادم. دوباره مارکس و انگلس و کتابهای جلد سفید را خواندم. تصمیم گرفتم به منطقه ماکو بروم و به الگوی شوراها ترکمن صحرا گفتم شروع میکنم به ایجاد شوراها شهرها و روستاها که

جای آنها کشیک دهد و صبح آنروز از طرف مقامات پادگان بازخواست میشود. بعدا به پادگان تبریز منتقل میشود. فراز که همیشه متشکل شدن برای مبارزه برایش اهمیت داشت، همراه با دانشجویان چپ در داخل پادگان تبریز به صورت یک محفل فعالیت میکند که در نتیجه اش در سال ۱۳۵۳ دو ماه اسیر زندان ساواک میشود و بعدا در سربازخانه تحت فشار و آزار و اذیت فرماندهان پادگان قرار میگیرد و تصمیم میگیرد از ایران خارج شود. اولین تلاش برای خروجش از کشور از بندر خرمشهر از طریق لنج و یک کشتی که عازم آمریکا بود با شکست مواجه میشود. خود را به سربازخانه معرفی میکند. دو هفته زندانی میشود. با پایان خدمتش شش ماه اضافه خدمت می گیرد و با یک مهر قرمز در برگ پایان خدمت از کار در ادارات دولتی محروم میشود. عازم اهواز میشود و با یک المثنای پایان خدمت شروع به کار میکند و اما زود اخراج میشود. به بندر عباس میرود و میتواند از دانشگاه کلرادو در آمریکا پذیرش بگیرد. در سال ۱۳۵۵ عازم آمریکا میشود. در آمریکا با کنفدراسیون آشنا میشود و مدتی مشغول فعالیت با کنفدراسیون میشود و شروع

از سن ۱۳ سالگی شروع به مطالعه کتابهای مختلف میکند. تحت تاثیر کتابهای صمد بهرنگی قرار میگیرد و به ادبیات رادیکال سیاسی گرایش پیدا میکند. نگاهی به تاریخ جهان نهرو، نامه های پدری به دخترش، چگونه انسان غول شد، بشردوستان زنده پوش و رمانهای مختلف مربوط به انقلاب روسیه را با اشتیاق تمام مطالعه میکند و با آرمانهای سوسیالیستی و رادیکال آشنا میشود. مذهب را تماما کنار میگذارد، آتئیست میشود و به قول خودش میگوید: "زنده باد علم."

این دوره مصادف بود با ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ شمسی که سازمان چریکها فعال بود و فراز همچنانکه خودش میگوید اول وقت وارد کلاس میشد که اعلامیه های چریکها را پیدا کند و بخواند. وقتی دیپلم میگیرد و دوران سربازی شروع میشود، فراز معترض به وضع موجود، در پادگان هم به سیستم سرکوبگر ارتش معترض میشود. در خاطرات شفاهیش میگوید که در پادگان عجبشیر که هوای بسیار سردی دارد، تعدادی سرباز از جنوب ایران را زیر سرمای شدید به عنوان نگهبان دم در انبار مهمات گذاشته بودند که فراز تصمیم میگیرد به

قاسم کریمی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری که در فعالیتهای سیاسی اش با اسم فراز آزادی شناخته میشد، تا لحظه ای که در روز یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۰ (۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱)، بعد از مبارزه ای سخت با بیماری سرطان چشم از جهان فرو بست، زندگی پر فراز و نشیبش را در راه مبارزه برای یک زندگی انسانی برای هموعانش وقف کرد.

فراز در اول خرداد سال ۱۳۳۳ در یکی از بخشهای شهرستان ماکو چشم بر جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه اش را در تبریز به پایان رساند. در دبیرستان فردوسی تبریز دیپلم گرفت و تحصیلاتش را در رشته مهندسی عمران ادامه داد.

فراز که در میان همزمان و خانواده های آنها در ایران به عنوان عموقاسم شناخته میشد در باره سالهای اول زندگیش میگوید که چهار ساله بود که خانواده اش به تبریز کوچ میکنند. پدرش در تبریز کارمند آموزش و پرورش میشود. فراز در خانواده ای بزرگ میشود که از سن هشت سالگی روزنامه و مجله و کتاب به وفور در خانه شان وجود داشت.

ادامه از صفحه ۱۰

افکارم بازنگری کنم. بروم دوباره مارکس را بخوانم. دو ماه نگذشت که با ادبیات مارکسیسم انقلابی در پاییز ۵۹ در زندان تبریز آشنا شدم. اولین جرعه های اصولی که در زندگیم رخ داد این بود که این نگرش، نگرشی است که من دنبالش می گردم. مارکسیسم انقلابی را با حرص و ولع میخواندم. سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی در ایران، پوپولیسم در بن بست و نوشته هایی که در نقد تئوری جنگ پیکار توسط اتحاد مبارزان کمونیست نوشته شده بود را نه یکبار بلکه بارها میخواندم و حظ میکردم. احساس میکردم که بعد از سالها به آرزوی دیرینه ام رسیده ام. در حقیقت این تئوری و سیاستی است که من سالها دنبالش می گشتم."

بعد از اینکه در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ از زندان آزاد میشود، فراز که با ادبیات مارکسیسم انقلابی آشنا شده است و به قول خودش خطش را پیدا کرده است با اشتیاق تمام برای اشاعه اندیشه های سوسیالیستی در میان دوستان و آشنایان و فعالین کارگری و دانشجویان تلاش میکند. بارها زندگیش به خطر میافتد، اما تصمیم میگیرد در ایران بماند و با عشق و اشتیاق پایان ناپذیری برای پیشبرد افکار آزادیخواهانه و برابری طلبانه تلاش کند. در مقابل پیشنهاد همفکرانش برای خروج از ایران هر بار میگوید که "نه میمانم. من هنوز پوسم کلفته."

با تاسیس رادیو انترناسیونال در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی)، فراز به طور خستگی ناپذیر با ضبط کردن برنامه های رادیو، و پیاده کردن سخنرانیها، شبانه روز برای تقویت حزب کمونیست کارگری تلاش میکند. علیرغم محدودیتهای و مشکلات جدی امنیتی، فراز هرگز نقش خود را به عنوان مروج توانا و پرحوصله در محافل کارگری تعطیل نمی کند. در فعالیتهای اول ماه مه نقش فعال ایفا میکند. از آذربایجان تا کردستان و

خوزستان تا شهرهای جنوب در میان کارگران و خانواده ها و محافل مختلف کارگری و دانشجویی با کوله باری از ادبیات حزب کمونیست کارگری و برنامه یک دنیای بهتر می چرخد و ترویج میکند و برای تقویت حضور حزب در تحولات سیاسی فعالیت میکند. و همچنانکه در اطلاعیه شهلا دانشفر از طرف کمیته سازمانده حزب آمده است "قاسم بیست سال قبل رسماً با حزب کمونیست کارگری در ارتباط قرار گرفت و در تمام این سالها یک ستون مهم فعالیت حزب در داخل ایران بود. قاسم را خیلی ها در ایران از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق می شناختند. و پای صحبتش می نشستند. قاسم همیشه یار و همدم انسانهایی بود که به او روی می آوردند و طلب کمک میکردند. قاسم جوهریل حزب در ایران بود و با توانایی بسیار بالایی که در توضیح مبانی کمونیسم داشت انسانهای زیادی را به صف آزادی خواهی و برابری طلبی کمونیستی جلب کرد. بخش مهمی از زندگی قاسم کار در محیط های کارگری بود و هر کجا که کار کرد محبوب بود و چراغ راهنمای کارگران می شد."

فراز بار دیگر در اول اردیبهشت ۱۳۹۰ دستگیر میشود و دو ماه در تبریز زندانی میشود. سرانجام بعد از سالهای طولانی فعالیت سیاسی، و فعالیت گسترده به عنوان یک مروج توانای محافل کارگری، اشاعه افکار و آرمانهای سوسیالیستی و برابری طلبانه و تحمل زندان و تحت تعقیب بودن و فشارهای امنیتی بالاخره همراه با خانواده اش در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲ میلادی) از ایران خارج میشود و در هلند پناهنده میشوند. فراز در آخرین دیدارش با رفقای حزبی میگوید که "اداره مهاجرت ما را معرفی کرده بود به یک روانشناس. بعد از سه چهار جلسه، گزارش نوشته بود که اینها سی سال در کشور خودشان غیرقانونی زندگی کردند. نشانه اش این بود که در طول ۲۹ سال

زندگی مشترک ۳۱ بار اسباب کشی داشتیم. در هفت شهر مختلف. خانه مان روی دو شمان بود. بیشترین فشار هم به محبوبه می آمد."

زندگی فراز هم مثل همه کمونیست هایی که برای آزادی و برابری در مقابل نظام سلطنتی و اسلامی مخصوصاً در مقابل توحش اسلامی مبارزه میکردند، پر فراز و نشیب بود. همسرش محبوبه و فرزندانش آرمن و پویا در فعالیت فراز علیه توحش اسلامی حاکم عملاً به هم‌رزم و یاور همیشگی تبدیل شدند. خانواده فراز در مخفی کردن ادبیات حزب که فراز همیشه همراه داشت، فراری دادن فراز از دستگیری، حضور در مقابل زندان، همراهی در خانه بدوشی و مهاجرت به شهرهای مختلف در استانهای مختلف، از تبریز به سنج و عسویه و شهرهای مختلف دیگر آنهم در اوج یکه تازی توحش اسلامی حاکم یار و یاور همیشگی فراز بوده اند که مصمم بود در میان فعالین و محافل کارگری و سوسیالیستی نقش ایفا کند.

فراز که عاشق آرمانهای انسانیش بود و دورن طولانی مثل یک کادر پرکار حزب کمونیست کارگری فعالیت و زندگی کرده بود و همیشه به جایگاه حزبی و تحزب سیاسی بسیار اهمیت میداد و به آن ارج میگذاشت، خیلی زود حتی در همان اوایل حضور در هلند در کنار دهها مشکل و مشغله دوران پناهندگی، فوراً فعالیتش در حزب را شروع کرد و یک پای اصلی تشکیل کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری شد. سردبیری نشریه سهند، نشریه کمیته آذربایجان را به عهده گرفت. با پشتکاری و دقت و احساس مسئولیت بالایی نشریه را منتشر کرد. در برنامه های تلویزیونی کمیته آذربایجان شرکت کرد. منظم در نشریه نوشت و در همه فعالیتهای کمیته آذربایجان با همان اشتیاق و احساس مسئولیتی کار کرد که در ایران در میان دوستان و فعالین کارگری و اجتماعی کار میکرد.

از میان خصوصیات همه انسانها مواردی بسیار برجسته هستند. یک وجه برجسته از خصوصیات و شخصیت فراز فروتنی او بود. او بیش از اندازه متواضع بود. ذره ای خود شیفتگی و "منیت" در روابطش با اطرافیان در محل کار و زندگی و حزبی نداشت. نیازها و منافع جمع نه فقط در اشل اجتماعی و کلان بلکه در همان کار دسته جمعی حزبی هم برایش اولویت داشت.

فراز آزادی یک نمونه مثال زدنی از انسانهایی بود که جایگاه و اهمیت و نقش تحزب سیاسی و مشخصاً حزب کمونیست کارگری را می شناخت، به آن ارج میگذاشت و مهمتر از همه در زندگی واقعیش همیشه در صف مبارزه حزبی آماده بود. در پلنوم ۴۴ حزب در یک سخنرانی کوتاه اما پرشور خطاب به حضار در باره ابعاد حضور حزب در ایران با شور و شوق زیادی اعلام کرد که "حزب گستره اصلیش، بدنه اصلیش در ایران است".

گستره ای که خود فراز با شور و اشتیاق پایان ناپذیر در ایجاد آن نقش داشت و آنقدر برایش اهمیت داشت که در دیدارش با هم‌زمان حزبی تلاش هایش برای تحکیم حزب را اینچنین به تصویر کشید: "من بدون این تلاشها زنده نبودم. زندگی من معنا و مفهومی نداشت."

فراز عزیز با کمال تأسف زنده نماند تا در این آینده سیاسی و نقش حزب برای تحقق آن همچنان مثل یک کادر پرکار و فداکار حزب کمونیست کارگری نقش ایفا کند. زنده نماند تا این آینده را خودش ببیند و در آن زندگی کند.

یاد عزیزش به عنوان انسانی پرکار و فداکار از جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری همیشه گرامی باد!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

کنفرانسی در همبستگی با کارگران نفت و تاکید بر بایکوت جمهوری اسلامی سخنان استنفانی اسمیت و اریک لی در این کنفرانس

برای اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او مورد حمایت شمار قابل توجهی از اتحادیه ها و کمپنرهای سیاسی جهانی قرار گرفته است. گسترش بیشتر این حمایتها میتواند به طور واقعی به اخراج نمایندگان توحش اسلامی از سازمان جهانی کار بینجامد.

اسمیت نیز در سخنانش در اعتراض به سرکوبگریهای حکومت و اعدام ها در ایران به نحو روشن و قاطعی از خواست اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار که از سوی فری دم ناو مطرح شده بود، حمایت نمود. این موضعگیریها از سوی چهره های شناخته شده اتحادیه ای و کارگری در سطح جهان بسیار مهم و قابل توجه است. کارزار فری دم ناو

استارت را باز نشر میکنیم. امیدواریم ترجمه فارسی دیگر سخنرانی ها را نیز برای شماره های بعد آماده کنیم. اریک لی در سخنان خود به اخراج نمایندگان به اصطلاح کارگری آلمان هیتلری از کنفرانس سازمان جهانی کار در سال ۱۹۳۳ اشاره میکند و میگوید امروز نیز باید همین اقدام را در مورد نمایندگان جمهوری اسلامی انجام داد. استنفانی

از سازمان جهانی کار (آی ال او) تاکید کردند. کنفرانس بصورت زنده در مدیای اجتماعی و از تلویزیون کانال جدید پخش شد. در این شماره انترناسیونال ترجمه فارسی پیام استنفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه خدمات دولتی ونکوور و حومه در بریتیش کلمبیای کانادا و همچنین متن فارسی سخنان اریک لی بینانگزار سایت کارگری لیبر

روز ۱۲ سپتامبر کنفرانسی به صورت آن لاین توسط کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم ناو) برگزار شد. در این کنفرانس شماری از چهره ها و رهبران شناخته شده اتحادیه های کارگری و کمپنرهای سیاسی بین المللی سخنرانی کردند و همبستگی خود را با کارگران اعتصابی نفت اعلام نمودند و بر اخراج جمهوری اسلامی

استنفانی اسمیت: از اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او حمایت میکنیم

اقدامات حکومت اسلامی بایستند. از جانب ۸۲ هزار اعضای این اتحادیه همبستگی و حمایت خود را از کارگران اعتصابی نفت و همه کارگران ایران اعلام میکنم. و مایلم از سازمان دهندگان کنفرانس که امکان پیوستن مرا به آن فراهم کردند عمیقاً تشکر کنم. متشکرم

اسلامی که کارگران و مدافعین آنها را هدف قرار میدهد، سپاسگزاری میکند. اتحادیه ما بارها با این نوع اقدامات از جمله احکام جنایتکارانه زندان و شکنجه و اعدام در سیستم کنونی ایران قاطعانه مخالفت کرده است. به این دلیل است که ما از کمپین فری دم ناو برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار حمایت میکنیم. تمام کارگران و اتحادیه ها باید در کنار کارگران ایران و علیه

عصبانی و منجر است.

ما معتقدیم که همه کارگران حق پایه ای شان است که در شرایطی امن و سالم و از جمله از کمیتهای با شرایط بهداشتی مناسب، واکسیناسیون استاندارد و رایگان و غذای با کیفیت برخوردار شوند. بی سی جی ای یو از فری دم ناو (کمپین برای کارگران زندانی در ایران) بخاطر اطلاع رسانی و غیر انسانی حکومت

اتحادیه بی سی جی ای یو مطلع شده است که کارگران ایران بویژه کارگران نفت از حقوق پایه ای خود محرومند. ما از خواست کارگران پیمانی نفت برای امنیت شغلی و قرارداد جمعی و لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادی حمایت میکنیم. اتحادیه بی سی جی ای یو از شرایط وحشتناکی که کارگران ایران ناچار به کار و زندگی در آن هستند و تاثیر وحشتناک کرونا بخاطر این شرایط بر کارگران بشدت

من استنفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه (BCGEU) کارگران خدمات دولتی در بریتیش کلمبیای در کانادا هستم که بیش از هشتاد و دو هزار کارگر را نمایندگی میکند. از جانب همه اعضای بی سی جی ای یو و کمیته همبستگی بین المللی مفتخرم که پیام همبستگی خود را به تمام کارگران ایران بویژه کارگران اعتصابی نفت اعلام کنم.

اریک لی: در ۱۹۳۳ اتحادیه ها نمایندگان آلمان را از آی ال او بیرون کردند. بیا بید امروز با حکومت اسلامی ایران نیز همین کار را بکنیم

راه اندازی کنیم و از بخش کارگری ILO - که وابسته به کنگره اتحادیه های کارگری جهانی هستند، بخواهیم که امروز همان کاری را که رفقای ما در سال ۱۹۳۳ انجام دادند، تکرار کنند.

این مقدمه مرا به بحث امروز میرساند.

ILO هنوز وجود دارد، آی ال او همچنان هر ماه در ماه ژوئن در ژنو تشکیل می شود، و هر سال رژیم فاشیستی آخوندی در ایران هیئتی از نمایندگان به اصطلاح کارگری را به عنوان بخشی از کارگران به این کنفرانس اعزام میکند. این نمایندگان نماینده کارگران نیستند. آنها نماینده حکومت هستند. آنها امروز، مانند نمایندگان آلمان در سال ۱۹۳۳، زندانبانانی هستند که امروز حق نمایندگی زندانبانان به آنها داده شده است.

نمایندگان به اصطلاح کارگری از آلمان فاشیستی بجای نمایندگان کارگران جلوگیری کردند.

همانطور که رهبر اتحادیه های کارگری فرانسه در آن زمان گفت "زندانبانان هرگز حق ندارند نماینده زندانبانان باشند". کل هیئت آلمانی مجبور به بازگشت به برلین شد و این کشور در همان سال از آی ال او بیرون رفت.

همانطور که اخیراً در یک کتاب آمده است "ILO اولین سازمان بین المللی بود که از به رسمیت شناختن دیکتاتوری نازیستی خودداری کرد" و این امر از طریق گروه کارگری ILO، و بدون اتکا به دولتها و یا کارفرمایان انجام شد.

و فعالین اتحادیه ای را به زندان انداختند، کنفرانس آی ال او در ژنو تشکیل شد. این کنفرانس که نهاد تصمیم گیرنده سازمان جهانی کار (ILO) است، از نمایندگان دولت ها، کارفرمایان و اتحادیه های کارگری تشکیل میشود.

در آن سال، آلمانی ها سعی کردند هیئتی از "جبهه کار" تازه ایجاد شده را بجای اتحادیه ها (در آی ال او) مستقر کنند. جنبش اتحادیه

های کارگری بین المللی برای مقابله با این تلاش (علیه آلمان هیتلری) متحد شد. در حالی که دولتها، از جمله دولت انگلیس، اعتراضی به جایگزینی نازیهای هیتلری به جای اتحادیه ها در این کنفرانس نداشتند. اتحادیه های کارگری از مستقر شدن

جمهوری اسلامی ایران یک رژیم فاشیستی آخوندی است. اساساً هیچ تفاوتی با رژیم های فاشیستی ای که در تاریخ می شناسیم - ایتالیای موسولینی، اسپانیای فرانکو و بدنام ترین آن، آلمان هیتلری - ندارد. این رژیم است که در پی کسب مشروعیت (مردمی) برای خود نیست زیرا با رضایت مردم خود بر آن کشور حکومت نمی کند. این رژیم تنها با رعب و وحشت حکومت می کند.

در سال ۱۹۳۳، هیتلر اندکی پس از به قدرت رسیدن، اتحادیه های کارگری آلمان را در هم شکست و به جای آنها "جبهه کارگری" تحت کنترل دولت نازیستی را ایجاد کرد. تنها چند روز پس از آنکه اراذل او ساختمانهای اتحادیه ها را اشغال کردند

تا این اقدامات صورت نگرفته است، نباید آن رژیم برسمیت شناخته شود و به آن مشروعیت داده شود و نمایندگان به اصطلاح کارگری آن باید طرد شوند.

این وضعیت نمی تواند ادامه پیدا کند. من معتقدم زمان آن فرا رسیده است که یک کمپین عظیم مردمی را در اتحادیه های کارگری جهان

منشور انقلاب و رهائی جامعه

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

روند انقلابی ای که با خیزش دیماه ۹۶ آغاز شد می‌رود تا طومار حکومت اسلامی را در هم بپیچد. در این شرایط داشتن تصویر روشنی از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و خصوصیات نظامی که باید جایگزین آن شود برای پیشروی و پیروزی انقلاب مطلقاً ضروری است. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان حکومت و جامعه ای مدرن، متمدن، انسانی و بری از هر گونه تبعیض و نابرابری از جمله تبعیضات مذهبی و قومی و ملی و جنسیتی و طبقاتی هستند. تنها نظامی میتواند رفاه و آزادی و برابری را برای همگان تضمین کند که مرکز و محور ارزشها و سیاستها و قوانین اش انسان و انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی باشد و نه اسلامیسم و ناسیونالیسم و ملی-میهنی. و تعصبات مذهبی-قومی-ایرانیگری و تابوها و مقدسات

شکل گرفتن چنین نظامی در گرو تحقق چهار رکن زیر است:

الف- نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و نهادها و قوانین اش سرنگون شود و ماشین حکومتی موجود کلا در هم شکسته بشود.

ب- دولت بر آمده از انقلاب علیه نظام موجود بلافاصله اقداماتی را برای تحقق شعارها و خواستههای فوری توده مردم و تضمین و تثبیت پیروزی مردم عملی کند.

ج- همه شهروندان درشوراها متشکل بشوند و دخالت آزادانه و آگاهانه و مستقیم مردم در حکومت تضمین بشود.

د- سیستم بردگی مزدی ملغی بشود. محور سیاست اقتصادی نظام آتی باید تامین رفاه و نیازهای همه مردم باشد و نه سودآوری و ثروت اندوزی یک اقلیت سرمایه دار.

الف: معنی سرنگونی حکومت اسلامی

۱- خلع ید حاکمین کنونی از قدرت اعم از ولی فقیه، رئیس جمهور و همه مقامات دولتی

۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند. پیگرد بین المللی مقامات جنایتکار فراری حکومت.

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

ب: اقدامات فوری دولت برآمده از انقلاب

دولت برآمده از انقلاب بمنظور تحقق خواست های فوری مردم و جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع توطئه و هجوم دولتهای ارتجاعی دیگر علیه انقلاب مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را انتخاب کنند باید اهداف زیر را فوراً عملی کند:

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام

۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، گرایش جنسی، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و

مؤسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند، بازگرداندن اموال و دارایی های به سرقت رفته کشور که توسط سران و مقامات حکومتی به خارج کشور برده شده و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش

ج: دخالت مستقیم مردم در حکومت و اداره جامعه

با بزیر کشیدن جمهوری اسلامی توده مردم نباید صحنه سیاست را ترک کنند. متشکل شدن مردم در شوراها و اعمال اراده آنها در سیاست و حاکمیت یک شرط ضروری برای رهائی جامعه از هر نوع ستم و تبعیض و بی حقوقی است. حکومت آتی باید حکومتی شورائی باشد.

د: امحای سیستم بردگی مزدی

سوداندوزی و بهره کشی و بردگی مزدی با رفاه و آزادی و خوشبختی اکثریت قریب بانفاق مردم در ایران و در همه جا مغایر است. رفاه توده مردم با حفظ نظام سرمایه که در ایران و همه کشورها بجز ریاضت کشی اقتصادی و گرانی و بیکاری ارمغانی برای مردم ندارد، امکان پذیر نیست. از نظر سیاسی و اجتماعی نیز بی حقوقی و بی اختیاری توده مردم از ویژگیهای ساختاری نظام سرمایه داری در همه کشورها است. مشخصا در ایران فقر و محرومیت و دیکتاتوری و توحشی که در چهار دهه گذشته جامعه را به صلابه کشیده از ملزومات حفظ سلطه سرمایه است. نباید اجازه داد این شرایط این بار تحت لوای دیگری، مثلا ملی گرایی و ناسیونالیسم بجای اسلامیسیم، ادامه پیدا کند. انسانیت و مدرنیسم و آخرین دستاوردهای تمدن بشری، و آزادی و برابری و رفاه همه شهروندان، باید در محور نظام سیاسی و اقتصادی ایران قرار بگیرد و این یعنی نظام آتی باید نظامی سوسیالیستی باشد.

و ضد تبعیض را به مبارزه برای تحقق مفاد این منشور و به پیوستن به صفوف حزب فرامیخوانیم.

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

تاریخ: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۸

ما خواهان در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و هر نوع حکومت مافوق مردم، دخالت مستقیم و مستمر همه شهروندان در حکومت، و امحای سیستم بردگی مزدی هستیم و همه نیروهای چپ و انقلابی، مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب و همه فعالین جنبش های برابری طلبانه

در جمهوری سوسیالیستی انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی است. این سیاستها با دخالت مستقیم و متشکل همه شهروندان در سیاست و اداره امور جامعه به پیش برده میشود. جمهوری سوسیالیستی از نظر ساختار حکومت مبتنی بر شوراهاى مردم است.

هر نوع تبعیض و نابرابری، با مرزهای باز بروی دنیا و تنش زدائی و سیاست مسالمت آمیز با همه کشورها در منطقه و در جهان، و مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی و فرهنگی و اجتماعی و فلسفی و هنری جامعه بشری که امروزه در غرب نمایندگی میشود. مبنای اقتصاد و سیاست و فرهنگ

حزب کمونیست کارگری برای کسب قدرت سیاسی و تحقق ارکان فوق مبارزه میکند. هدف ما برپائی جمهوری سوسیالیستی در ایران است. جمهوری سوسیالیستی مورد نظر ما، نظامی است با بالاترین سطح رفاه عمومی، بیشترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و مدنی، عاری از

زنان علیه طالبان

گزارش از میتینگ پنجشنبه در برلین علیه طالبان - مینا احدی

ببرد و یا سنگسار کند، مشکلی ندارند فقط پایش را و ترورش را به خارج از آنجا نکشد، و اگر بمب در اینجا نگذارد میتوان آن حکومت وحشت را حکومت ایران نام نهاد و با آنها همکاری کرد. اکنون اطمینان داریم اگر ساکت شویم، بخش اصلاح طلب طالبان را سرهم بندی کرده و به همه خواهند فروخت و با آنها کنار می آیند. پس باید در خیابان ماند. بهمین دلیل نهاد زنان علیه طالبان روز ده اکتبر را روز جهانی نه به طالبان اعلام کرده و ما خواهیم کوشید حداقل در صد شهر تظاهرات سازمان دهیم. زنان مردم افغانستان را نباید تنها گذاشت و اینجا با صدای بلند میگوییم نه به طالبان در کابل، در تهران و زنده باد جنبش نوین زنان در افغانستان زنده باد انقلاب زنانه.

از دست میدهیم. حق نفس کشیدن، حق شادی و آزادی و زندگی انسانی، حق داشتن سکس با کسی را که خودمان میخواهیم و نه ملا و الله، ما در مقابل این تعرض بیشرمانه به حقوق خود ایستادیم و مبارزه کردیم. اکنون با تقدیم افغانستان به طالبان ما دست به کار شده و ابتدا فراخوانی دادیم که بیش از ۶۰۰ فعال سیاسی از ایران و افغانستان و تعدادی از شخصیتهای سرشناس بین المللی از جمله تسلیمه نسرین، مریم نمازی و یا سازمان تره ده فام و بسیاری آنرا امضا کردند. حرف ما اینست تجربه ثابت کرده دولت آلمان و دولتهای غربی و دیگران، با حکومت تروریست اسلامی مادام در درون مرزهای یک کشور، مثلا ایران بکشد و اعدام کند، دست و پا

اجرا شد.

سخنرانی مینا احدی که مورد استقبال قرار گرفت چنین بود: از طرف نهاد اکس مسلم و نهاد تازه تاسیس شده زنان علیه طالبان به همه شما درود میفرستم. اجازه دهید از همین جا درود بفرستم به زنان شجاع در افغانستان و بگویم زنده باد جنبش نوین و اعتراضی زنان علیه طالبان در افغانستان. ما در آلمان و در همه جا علیه جنبش اسلامی مبارزه میکنیم، برای حقوق و حرمت انسانی، بر علیه آپارتاید جنسیتی و بستن دهانها از طرف این جنبش ترور و کشتار اسلامی. من از ایران هستم و ۴۲ سال است علیه حکومت اسلامی ایران مبارزه میکنم، چون به عینه دیده ام هر جا اسلامیها قدرت بگیرند ما زنان همه حقوق خود را

از او، بتینا متز مسئول زنان سازمان ملل در آلمان سخنران بود و گفت برنامه آنها برای انتقال زنان چیست و سپس پیام دکتر مسعوده جلالی وزیر زنان در حکومت قبلی افغانستان و کاندید ریاست جمهوری از طرف اولریکه بکر قرائت شد. شکیب مصدق خواننده محبوب افغانستانی در طول برنامه، آهنگهایی را تقدیم مردم و زنان افغانستان میکرد. سپس زهرا اسرافیل از مرکز فرهنگی و مشاوره یار سخنرانی کرد. ایشان از امضا کنندگان بیانیه زنان علیه طالبان هم هستند. و سپس تبسم احمدی خواننده جوان افغانستانی هنرنمایی کرد و بعد از او ربه کاشون باخ ومینا احدی باهم روی سن رفتند و سخنرانی کردند. در پایان تئاتر کوتاهی از طرف گروه تئاتر آوا

پنجشنبه ۲۳ سپتامبر در مقابل دروازه بزرگ براندنبرگ تور در برلین، دهها نفر به دعوت سازمان تره ده فام و حمایت یازده نهاد آلمانی و افغانستانی تجمع کرده و با صدای بلند به زنان و مردم افغانستان پیام میدهند که نمیگذاریم دنیا شمارا فراموش کند و زیر سلطه تروریستهای اسلامی بیش از پیش آسیب ببینید.

برنامه با سخنرانی پروفیسور گودلا کوساک از مسئولین سازمان تره ده فام شروع میشود، او در یک سخنرانی مفصل، تقدیم کردن افغانستان به طالبان را بشدت محکوم کرد و خواهان به رسمیت نشناختن طالبان شد. سپس صبور زمانی از مرکز فرهنگی و ارتباطات افغانستان سخنرانی کرد و بعد



از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵



ترانه های توماج را باید همه جا پخش کرد، تا پرونده اش مختومه اعلام شود.

هر دستگیری و احضار هر فعالی را باید وسیعا و فورا به دنیا خبر داد. همه جا عکس و مشخصات دستگیر شدگان و علت دستگیری و احضار آنها را منتشر کرد تا جامعه بهتر آنها را بشناسد تا بیشتر در قلب جامعه قرار گیرند و دستگیری شان هزینه بیشتری به حکومت تحمیل کند. آزادی توماج نشان داد که میتوانیم همه عزیزانمان را آزاد کنیم.

حزب کمونیست کارگری
ایران
۳۰ شهریور ۱۴۰۰، ۲۱ سپتامبر
۲۰۲۱

توماج ۹ روز در بازداشت بود. در این ۹ روز ترانه های اعتراضی اش صد بار بیشتر به خانه های مردم راه یافت و صد بار بیشتر محبوبیت پیدا کرد. این رمز آزادی او است. اگر جامعه سکوت کرده بود، اگر ترانه هایش که از سر تا پای حکومت و ماله کشان حکومت را شجاعانه و با زبان تیز و گزنده ای به باد حمله گرفته است اینهمه پخش نمیشد، اگر در مدیای اجتماعی خبر دستگیری اش اینچنین وسیع منعکس نمیشد، توماج هنوز در زندان بود و آزاد نمی شد. از این گذشته حکومت میدید که با هر روز بازداشت توماج اعتراضات وسعت بیشتری میگیرد.

فشار را باید ادامه داد و

جوان معترض و انقلابی است. ترانه های توماج صدای آبان و ادامه آبان است، صدای خشم و عصیان یک جامعه معترض است، صدای خیزش ها و اعتصابات است.

توماج را به خودش و خانواده اش و به همه دهها میلیون مخالف حکومت بویژه به آنها که در انعکاس صدای او نقش داشتند تبریک میگوییم. توماج صدای عصیان نسل

توماج صالحی موقتا آزاد شد. این آزادی مستقیما محصول اعتراض مردم است. مستقیما محصول انعکاس وسیع خبر دستگیری او و پخش ترانه های او از رسانه ها و شبکه های اجتماعی است. آزادی

اعتراضات گسترده فعالان فمین "Femen" اسپانیادار حمایت از رنگین کمانی ها و علیه نازیستها و فاشیستها

هدف میگیرد. اعتراض در برابر خشونت و حملات علیه زنان و رنگین کمانی ها و مبارزه ما در مقابل فاشیست ها ضروری است. باید با اعتراض نشان داد هیچ نوع تهدیدی باعث کنار رفتن زنان و رنگین کمانی ها نمیشود. این فاشیستها و مرتجعین هستند که باید بساط خود را جمع کنند و بروند.

انقلاب زنانه ضمن انزجار از تفکرات راست و فاشیستی و نازیستی و هموفوب، حمایت از رنگین کمانی ها را در هر کجای دنیا ضروری دانسته و از اعتراض عریان سازمان فمین نیز حمایت میکند. اعتراض عریان یکی از رادیکالترین و پیشرو ترین و قدرتمندترین نوع اعتراض زنان است که قلب نیروهای ارتجاعی را

پلیس اسپانیا به فاشیست ها و به خشونت پلیس علیه فمین ها معترض هستند.

روز سه شنبه ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱، مجددا فعالان Femen در اعتراض به مجوز تظاهرات نئونازی ها در چوئکا مقابل نمایندگان دولت در مادرید تظاهرات کردند.

فاشیستی و نئونازی محافظت می کند و می گویند در دموکراسی جایی برای نازی ها و فاشیست ها وجود ندارد.

در یکی از اعتراضات سازمان فمین یک گروه افراطی راست به طور ناگهانی وارد تجمع آنها شده و سعی کرده اند تجمع فمین را بهم هم بزنند. فمین ها به درستی به میدان دادن دولت و

هفته گذشته، گروهی از فاشیست ها در یکی از محله های مادرید علیه همجنسگرایان اعتراض و علیه آنها نفرت پراکنی کردند. در میان شعارها به رنگین کمانی ها (همجنسگرایان دوجنسگرایان ترنسها و کویرها) گفته شده بود که از محله ما خارج شوید.

فعالان سازمان فمین در اسپانیا، هفته گذشته در اعتراض به مجوز تظاهرات فاشیست ها در چوئکا، با در دست داشتن پرچم رنگین کمانی ها، در مقابل کنگره دولت در مادرید تظاهرات کردند. آنها با بدنهایی نیمه عریان که روی بدنشان نوشته بودند که هموفوبها باید از کنگره خارج شوند و توجیه نمایندگان دولت مادرید نشان دهنده عدم مسئولیت اجتماعی و دموکراتیک این نهاد است، توجه ها را به عملکرد دولت نشان دادند.

فمین ها میگویند این اولین بار نیست که آنها به فاشیست ها اجازه می دهند تا به نفرت پراکنی در قالب تجمع بپردازند. آنها معتقدند پلیس از اقدامات



ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۷

زنان علیه طالبان

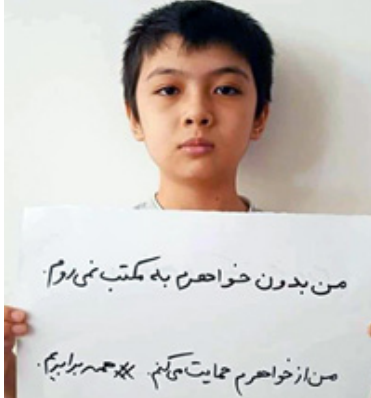


دختران دانش آموز #هرات به باز نشدن مدرسه های دخترانه اعتراض کردند.

زنان نباید میدان مبارزه را ترک کنند بلکه تا عقب نشینی کامل طالبان همراه با تمامی قوانین زن ستیزانه ی اسلامی باید در خیابان ها حضور داشته باشند. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱

#زنان_علیه_طالبان برای مقابله با ارتجاع اسلامی این گروه تروستی ضروری است. لذا

بدون خواهرم به مکتب نمی روم.



در #افغانستان، بدنبال اعلام محرومیت کودکان دختر از تحصیل، جنبشی راه افتاده که زنان با انتشار تصاویر خود در حالی که نوشته هایی درباره #حقوق زنان در دست داشتند، بر حق خود به عنوان یک زن در جامعه افغانستان برای کار و مشارکت سیاسی تاکید کرده بودند، مدتیست که مردان افغانستان نیز یکی یکی به استقبال این کمپین رفته اند و خواستار برابری شده اند و از حقوق زنان دفاع کرده اند.

در #افغانستان، بدنبال اعلام محرومیت کودکان دختر از تحصیل، جنبشی راه افتاده که زنان با انتشار تصاویر خود

بودند، مدتیست که مردان افغانستان نیز یکی یکی به استقبال این کمپین رفته اند و خواستار برابری شده اند و از حقوق زنان دفاع کرده اند.

در حالی که نوشته هایی درباره #حقوق زنان در دست داشتند، بر حق خود به عنوان یک زن در جامعه افغانستان برای کار و مشارکت سیاسی تاکید کرده

مجبور کردند بنویسم که در قتل برادرم آن ها مقصر نبوده اند».

و پسرش در این پرونده بدون نتیجه ماند.

در نیمه شب ۳۱ شهریور ۱۳۷۷، حمید حاجی زاده، نویسنده، معلم و شاعر دگراندیش به همراه پسر ۹ ساله اش کارون با ضربات پی در پی چاقو کشته شدند. اگرچه این دو از قربانیان قتل های سیاسی موسوم به «قتل های زنجیره ای» بودند، اما مقامات جمهوری اسلامی هیچ گاه مسئولیت این جنایت را برعهده نگرفتند. پیگیری های متعدد خانواده از وزارت اطلاعات، ریاست جمهوری، نهاد رهبری، رئیس وقت سازمان قضایی نیروهای مسلح و کمیته تحقیق و تفحص مجلس، برای بررسی قتل حمید حاجی زاده

انقلاب زنانه ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی بابت بیش از چهل و دو سال جنایت علیه بشریت معتقد است که با رادیکالیزه شدن جامعه و پیشروی جنبش سرنگونی، افشاگری های بیشتری علیه آمرین و عاملین جنایات چهاردهم گذشته صورت خواهد گرفت که موجب میشود جنبش دادخواهی و اعتماد به نفس مردم ایران در مقابل جمهوری اسلامی بیشتر شود. انقلاب زنانه ۲۲- سپتامبر ۲۰۲۱

فرخنده حاجی زاده درباره پرونده برادر و برادرزاده اش می گوید: «تمام این سال ها پیگیری های ما ادامه داشت، همه جا رفتیم، هر کاری هم توانستیم کردیم، از طرفی هم از سوی وزارت اطلاعات تحت فشار بودیم و احضار و بازجویی می شدیم... در نهایت هم که گفتند یک اشتباه ساده بوده... یعنی با ضربات چاقو برادر و برادرزاده ام راسلاخی کردند و گفتند اشتباه ساده بوده! چند سال پیش هم در آستانه بازنشستگی من، مرا

شود. مردم ایران خواهان بایکوت جمهوری اسلامی هستند. هر نوع سازش و مدارا با سران جنایتکار جمهوری اسلامی از جانب مردم ایران بخشودنی نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱

جمله حسین امیر عبداللهمیان وزیر امور خارجه اش مرتکب شده اند، ببندند. سازمان ملل جای قاتلین مردم ایران و سران آدمکش جمهوری اسلامی نیست. نباید به یک قاتل حرفه ای ولو بشکل مجازی تریبون داده شود. این دهن کجی به مردم ایران و مبارزات آنها برای رهایی از چنگال رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی است.

حرف مردم ایران روشن است: آیت الله قاتل را برسمیت نشناسید! جمهوری اسلامی باید از همه مراجع بین المللی از جمله سازمان ملل اخراج

هیاتی از جمهوری اسلامی را به اجلاس سازمان ملل راه داده اند ولی رئیس جمهور این حکومت، به خاطر رسوائی اش در سطح جهان به عنوان قاتل مردم ایران، جرات نکرده است به همراه هیات اش در این اجلاس حاضر بشود. آیا نفس همین واقعیت نشان نمیدهد که باید کل این هیئت را به اجلاس سازمان ملل راه نداد و رژیمی که چنین قاتلینی مصدر آن هستند را از این سازمان اخراج کرد؟ نه سازمان ملل و نه هیچ نهاد بین المللی دیگری نباید چشم خود را بر جنایاتی که ابراهیم رئیسی و دیگر همکاران او، از



اطلاعیه های حزب



شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰: اعتراضات گسترده معلمان در ۲۵ شهر

معلمان فردا سوم مهر نیز تجمع خواهند کرد

بعلاوه توقف پرونده سازی علیه فعالان صنفی، آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی در کنار خواسته حق تشکل از مطالبات اصلی تشکلهای صنفی و یکی دیگر از خواستههای مهم معلمان است و بر سر آن کارزار بزرگی در جریان است. شورای هماهنگی در بیانیه خود اعلام کرده است که معلمان دیگر به وعده و وعیدها باور ندارند و تا عملی شدن خواسته های مطرح شده به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

خواستههای اعلام شده معلمان خواستههای همه مردم است و انتظار می رود خانواده های دانش آموزان و همه مردم فعالانه از تجمعات اعتراضی و مطالبات آنها پشتیبانی کنند.

حزب کمونیست کارگری
ایران

۲ مهر ۱۴۰۰، ۲۴ سپتامبر
۲۰۲۱

بندی، همسان سازی کامل و دقیق حقوق بازنشستگان محترم طبق قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت بدهی سالهای گذشته دولت به آنها، اجرای کامل و بدون تبعیض فوق العاده ویژه برای تمام فرهنگیان و تامین شدن حقوق معلمان تازه استخدام، پرداخت حقوق بازنشستگی، بازنشستگان سال ۹۹،

استخدام کارنامه سبزها و ایجاد امنیت شغلی نیروهای خرید خدماتی، مربیان پیش دبستانی و مربیان نهضت سوادآموزی و معلمان شاغل در بخش خصوصی، ایجاد بستری امن برای بازگشایی مدارس در این اوضاع کرونا، به گونه ای که در زودترین زمان ممکن و ایجاد امکان بازگشایی حضوری مدارس از طریق استفاده از واکسن معتبر و رایگان عملی شود، ایجاد فضای فیزیکی با رعایت فاصله گذاری بهداشتی و تامین ماسک و مواد ضدعفونی کننده رایگان برای دانش آموزان و معلمان و ایجاد تجهیزات ضروری برای آموزش مجازی شامل گوشی هوشمند و اینترنت رایگان، برای تمام فرهنگیان و دانش آموزان.

اعلام شده معلمان است. اعتراضات روز گذشته در شهرهایی مثل قم، کرمانشاه و قزوین با راهپیمایی و فریاد شعارها همراه بود. در کرمانشاه یکی از معلمان زن در سخنرانی خود با اشاره به خواستههای فوری معلمین همه همکاران خود در سطح سراسری را به پیوستن به اعتصاب فراخواند.

اشاره کنیم که در ادامه این اعتراضات شورای سراسری تشکلهای صنفی فرهنگیان در بیانیه ای به مناسبت شادباش آغاز سال تحصیلی جدید خطاب به معلمان، دانش آموزان و والدین آنها همگان را برای ساعت ده صبح روز سوم مهر به تجمعات سراسری در مقابل وزارت آموزش و پرورش فراخوان داده است. در این بیانیه علاوه بر مطالبات اعلام شده همیشگی بر خواستههای مشخص و فوری زیر تاکید شده است:

اجرای نظام رتبه بندی بر اساس ۸۰ درصد حقوق هیئت علمی دانشگاهها و مشمول بودن نیروهای خرید خدماتی و نیروهای خدماتی و معلمان بخش خصوصی در این رتبه

خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع برگزار کردند.

اعتراض معلمان به فقر و تبعیض و نابرابری و سرکوبگریهای حکومت است. و این را در شعارهایشان و در مطالبات اعلام شده خود بارها اعلام کرده اند. در این تجمعات معلمان شعار میدادند: "هشتاد درصد حل نشه کلاسها تعطیل میشه"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "نه تسلیم، نه سازش، رتبه بدون خواهش"، "معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "معلم داد بزن، حق تو فریاد بزن".

اجرای همسان سازی و افزایش آن به بالای خط فقر اعلام شده ۱۲ میلیونی برای تمامی معلمان شاغل و بازنشسته، درمان رایگان و بالا بردن سطح خدمات دهی بیمه، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن و پرداخت حق سنوات بازنشستگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی از جمله خواستههای

نخستین روز سال تحصیلی با تجمعات بزرگ و سراسری معلمان شاغل و بازنشسته در بیش از ۱۵ استان در ۲۵ شهر آغاز شد. این تجمعات از سوی معلمان از شهرهای مختلف و با حمایت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برپا شد. در این حرکات اعتراضی، معلمان با تجمعاتشان، با شعارهایشان، با سخنرانیهایشان و با فراخوانهایشان به اعتصابی سراسری، عزم راسخ خود را برای دفاع از زندگی و پیگیری مطالبات خود اعلام کردند. تجمع بزرگ بعدی آنها فردا سوم مهرماه ساعت ده صبح مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران و ادارات آن در شهرستانها برگزار خواهد شد. بنا بر خبرهای منتشر شده تجمعات روز گذشته در شهرهای کرج، ممسنی، کوهدشت، اراک، یزد، اردبیل، دیواندره، شاهرود، همدان، تبریز، زنجان، شهرکرد، قزوین، آبادان، ساری، مشهد، کرمانشاه، قم، خرم آباد، ملایر و ... برگزار گردید. در این روز قبول شدگان آزمون استخدامی سال ۹۹ آموزش و پرورش (کارنامه سبزها) نیز برای بیستمین روز متوالی در اعتراض به عدم استخدام

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۹

جنایتی دیگر از جمهوری اسلامی! قتل شاهین ناصری، شاهد شکنجه شدن نوید افکاری در زندان شدیداً محکوم است! شاهین ناصری افشاگر شکنجه شدن نوید افکاری



توسط جمهوری را قاطعانه ادامه خواهد داد. ما خواهان بایکوت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی، اخراج عاملین و آمرین سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام از مجامع بین المللی هستیم. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی پیگیرانه تلاش میکند که وضعیت وخیم زندانیان سیاسی در ایران را در سطح بین المللی منعکس کند و از شما مدافعین آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکند تا از هر طریق ممکن برای آزادی زندانیان سیاسی به ما یاری کنید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

جرایم و جنایات بین المللی جمهوری اسلامی بوده است.

این کمیته همچنین خواهان تشکیل کمیسیون مستقلی برای رسیدگی به جنایات رئیس به دلیل نقض حقوق بشر شده است. قتل شاهین ناصری در حالی اتفاق میافتد که شورای امنیت سازمان ملل بی شرمانه ابراهیم رئیسی جلد را به عنوان یکی از سخنرانان میبذیرد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی جانباختن شاهین ناصری را به خانواده و دوستانش تسلیت گفته و مبارزه خود را برای پایان دادن به بازداشت، شکنجه، اعترافات اجباری، ترور و قتل زندانیان سیاسی روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۰ توسط نیروهای اطلاعاتی در زندان تهران بزرگ به قتل رسید. شاهین ناصری توسط بازپرس شعبه تهدید به مرگ شده بود. اعدام نویدافکاری بار دیگر دستهای خون آلود این رژیم جنایتکار را در مقابل چشمان جهانیان به نمایش گذاشت و شاهین ناصری با شجاعت، جنایت و شکنجه تحمیل شده به نوید را افشا کرد. قتل شاهین وحشت رژیم را نشان میدهد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی طی نامه هایی به شورای حقوق بشر سازمان ملل و دولت‌ها، خواستار تشکیل یک کمیسیون مستقل جهت جمع آوری شواهد و مدارک موجود

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

از شهرهای مختلف کشور به تهران آمده بودند در مقابل آموزش و پرورش تحصن کرده و شب را همانجا بسر بردند. کارنامه سبزهها در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان از سال گذشته تاکنون تجمع‌های اعتراضی بسیاری را برگزار کرده‌اند.

کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و وضع نابسامان شغلی خود تجمعات متعددی داشته اند.

تجمعات و اعتراضات معلمان مشهد، و کارنامه سبزهها و بازنشستگان در اصفهان و خوزستان

روز یکشنبه ۲۸ شهریورماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد در اصفهان و خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی مقابل ساختمان این صندوق تجمع کردند. درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس ها و بازگرداندن پولهای دزدی شده به صندوق بازنشستگی، اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون از جمله خواستههای آنها در تجمعات سراسری بازنشستگان بوده است. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان

روز یکشنبه ۲۸ شهریور معلمان شاغل و بازنشسته در مشهد در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و شغلی خود و برای پیگیری مطالباتشان مقابل اداره کل آموزش و پرورش این شهر دست به تجمع زدند. روز قبل از آن معلمان در شهرهای اهواز، کرمانشاه، اصفهان، شیراز، دهمدشت، و یاسوج تجمع داشتند.

روز ۲۸ شهریور قبول شدگان آزمون استخدامی سال ۹۹ (کارنامه سبزهها) برای شانزدهمین روز متوالی در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. جمع‌هایی از این معترضین که

تجمع بازنشستگان فولاد در اصفهان، اهواز و تهران و دو خبر دیگر

روز ۲۸ شهریور جمعی از بازنشستگان صندوق فولاد همزمان در تهران، خوزستان و اصفهان برای پیگیری مطالبات خود مقابل ساختمان صندوق بازنشستگان فولاد تجمعی اعتراضی برپا کردند.

در این تجمعات بازنشستگان بر اصلاح قانون همسان سازی شاغل و اجرای کامل آن و افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان رایگان، برخورداری از امکانات رفاهی و داشتن حق مسکن تاکید کردند.

روز یکشنبه ۲۸ شهریور کارگران خدمات شهری شهرداری دهمدشت در اعتراض به محقق نشدن وعده‌های مسئولان در وصول مطالباتشان جلوی فرمانداری کهگیلویه تجمع کردند.

روز ۲۸ شهریور کارگران کارخانه سیمان در اعتراض به اخراج ۵۰ نفر از همکارانشان دست به تجمع زدند. این

نیز طلب دارند. بنا بر خبرها بدنبال شکایت شهرداری، قوه قضائیه حکومت اسلامی ۱۳ نفر از کارگران تجمع‌کننده را بجرم تجمع و اینکه خواستار استخدام شدن خودشان هستند بازداشت کرده است. این بازداشت ها بر فضای اعتراض در میان کارگران شدت داده است و اعتراضات آنها ادامه دارد.

روز ۲۹ شهریور کارگران اخراجی شهرداری اهواز با خواست بازگشت به کار خود تجمع کردند.

اعتراضات در میان کارگران شهرداری گسترده است. پرداخت بموقع دستمزدها و افزایش سطح آن، پرداخت بموقع حق بیمه، دائمی شدن قراردادهای کاری و کوتاه شدن دست پیمانکاران، و واکسیناسیون همگانی و رایگان از جمله خواستههای اعلام شده آنها در مبارزاتشان است. این خواستههای مشترک میتواند مبنای خوبی برای اعتراضات سراسری آنها باشد.

تجمع کارگران خطوط یک تا پنج مترو تهران و کارگران شهرداری کوت عبدالله و اهواز

روز سه‌شنبه ۳۰ شهریور جمعی از کارگران پیمانی پله برقی خط یک، دو، چهار و پنج مترو تهران در اعتراض به تعویق سه ماه دستمزد خود در مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند. این کارگران سنوات و عیدی سال ۹۹ را نیز دریافت نکرده اند. بعلاوه از خرداد ماه حق بیمه آنها پرداخت نشده است.

روز ۳۰ شهریور کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه مزد و حق بیمه خود مقابل شورای شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران برای پیگیری مطالباتشان روزهای گذشته تجمعات اعتراضی متعددی برپا کرده اند. از جمله در روز ۲۷ شهریور جمعی از آنها در مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. این کارگران حقوق آذر و دی ۹۹ خود را

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۰

اخبار نفت

دست به تجمع می زنند.

اعتصاب مجدد کارگران فاز ۱۴ عسلویه و پتروپالایش کنگان و اخباری دیگر

روز ۲۷ شهریور کارگران شاغل در فاز ۱۴ نیروهای اکسیر در بخش ۱۰۶ و ۱۰۸ در اعتراض به خلف وعده پیمانکاران مجدداً دست به اعتصاب زده و با شعار نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم بطرف دفتر مدیریت مینا راهپیمایی کرده و در آنجا تجمع کردند. کارگران خواستار افزایش دستمزد خود بر اساس ارقام پیشنهادی خود و اجرای نوبت کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی هستند.

بنا به یک گزارش دیگر روز شنبه ۲۷ شهریورماه کارگران شرکت پیمانکاری پارس قدرت شاغل در پتروپالایش کنگان نیز در اعتراض عملی نکردن وعده های داده شده از سوی پیمانکار مجدداً دست به اعتصاب زدند. این کارگران بیشتر و با قول مساعد پیمانکاران مبنی بر قبول شرایط آنان به سر کار بازگشته بودند اما اینک و با خلف وعده از سوی پیمانکاران دوباره دست از کار کشیدند.

بنا بر خبر منتشر شده دیگری از نفت روز شنبه ۲۷ شهریور جمعی از کارکنان پتروشیمی بندر امام در اعتراض به انتقال ۳۰۰ نفر از کارگران زیر کنترل شرکت عملیات غیرصنعتی بندر ماهشهر، برای نهمین روز دست به اعتراض زده و در مقابل پتروشیمی بندر امام دست به تجمع زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ شهریور ۱۴۰۰، ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱

کارگران شرکتی مخابرات شوشتر از آغاز سال جاری حاضر به امضای قراردادهای جدید برده وار موقت نشده اند. در تقابل با این حرکت اعتراضی روز شنبه ۲۷ شهریور به دستور مدیریت از ورود جمعی از این کارگران به محل کار ممانعت شد. در برابر این عمل مدیریت، کارگران در تدارک اعتراض هستند

تجمع کادر درمان باشت یاسوج، کارگران غیر نیشکری هفت تپه و مارون صنعت تهران

روز شنبه ۲۷ شهریور ۲۶ کادر درمان شرکتی شهرستان باشت یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به عدم دریافت ۷ ماه مزد خود در شبکه بهداشت باشت تجمع کردند. این نیروها از طریق آزمون به صورت شرکتی و با قرارداد یکساله جذب بخش خدماتی دانشگاه علوم پزشکی شده اند. خواست آنها پرداخت فوری طلبهای مزدی و حق بیمه شان است.

روز شنبه ۲۷ شهریورماه جمعی از کارگران غیر نیشکری شرکت هفت تپه با خواست تمدید قراردادهای کاری خود مقابل درب مدیریت این شرکت دست به تجمع زدند. این کارگران با چندین سال سابقه از کار اخراج شده اند و یک خواست کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراضاتشان بازگشت به کار کارگران غیر نیشکری و دفع آفات و تمدید قراردادهای کاری آنهاست.

روز ۲۵ شهریور کارگران شرکت مارون صنعت تهران واقع در شهرک صنعتی اشترجان اصفهان برای دومین روز در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان دست به اعتصاب زده و در مقابل شرکت تجمع کردند. این شرکت در زمینه تولید ورق پلاستیک و پی وی سی فعالیت دارد.



در اعتراض به عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

ما خواهان همسان سازی حقوق بازنشستگان بر مبنای قانون مدیریت خدمات کشوری هستیم
تجمع سراسری _ شنبه، سوم مهر



در اعتراض به عدم اجرای طرح رتبه بندی

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

ما خواهان اجرای رتبه بندی بر مبنای ۸۰ درصد حقوق هیات علمی هستیم
تجمع سراسری، شنبه، سوم مهر



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۳۱

World Day of Protest | Women Against Taliban

All out on October 10th

- No to Taliban's misogyny and violence against women
 - No to Taliban's terrorism
- No political recognition to a Taliban government

The world should hear the voice of Afghan women

We do not accept a Taliban government!

Wherever you are, join this worldwide action by calling for a protest in your city and town on October 10th

The struggle of Afghan women is the main front of the struggle of all the people of Afghanistan against Taliban

Women Against Taliban

More info:

0046 739 86 80 51

روز جهانی زنان علیه طالبان! دهم اکتبر در سراسر جهان

تظاهرات سراسری علیه زن ستیزی، علیه جنایات طالبان با خواست به رسمیت نشناختن امارت اسلامی!



دنیا باید صدای زنان معترض افغانستان را بشنود!

ما حکومت طالبان را نمی پذیریم!

در هر شهری که هستید برای روز دهم اکتبر فراخوانتان را منتشر کنید و مردم را به شرکت در آکسیون فراخوانید. مبارزه زنان جبهه اصلی نبرد و مبارزه آزادیخواهان مردم افغانستان علیه طالبان است!

نهاد زنان علیه طالبان

اطلاعات بیشتر: 0046 739 86 80 51